

# تصویر فصل



مدرسه کاغذ







## مدرسه کاغذ

فصلنامه دانشجویی مدرسه کاغذی | دانشگاه فرهنگیان | سال اول | شماره دوم | شهریور ۹۹  
صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان ایلام

|                              |   |
|------------------------------|---|
| هیئت مدیران مسئول            | نیما رنجبریان، زینب سادات رازی  |
| سر دبیر                      | امیر کرمی امین  |
| کارگروه سیاسی                | محمدصادق صفری پور (دبیر)، مریم قاسمی، ناهید حیدری، محمد منتی  |
| کارگروه فرهنگی               | رضا مفتاحی (دبیر)، یاسمن ملک حسینی، فاطمه راحمی، معصومه فتح الهی  |
| کارگروه علمی - پژوهشی        | فاطمه رحمتی (دبیر)، مریم ابراهیمی، الهام امایی، سارینا هواسیان، فاطمه عموزاده، مائده نصر الهی، آناهیتا نصیری  |
| طراحی جلد و صفحه آرایی رسانه | محمدسعید امیری  |
| ویراستار                     | فاطمه آویش (دبیر)، محمد محمدزاده، رامین رستمی، علیرضا احمدی، عرفان عباسی، امیرحسین محبی نیا، رضا صادق خانی، محمدمعین دانش پور، فاطمه فتاحی، مرضیه الهی فر |
| روابط عمومی                  | احمد مهدی بیگی  |
|                              | رضا اعتصامی   |

### چند نکته

۱. هدف مدرسه‌ی کاغذی، روشنگری و آگاهی بخشی به قشر دانشجو و همچنین ارتقای سطح سواد اجتماعی است.
۲. از مطالب، مقالات، نظرات و انتقادات همه‌ی دانشجویان در سراسر کشور استقبال خواهد شد.
۳. رویکرد نشریه فرا جناحی می باشد، لذا مطالب آن به طرفداری از فرد یا جناحی خاص نمی باشد و اطمینان داده می شود مطالب بدون سانسور چاپ خواهند شد.
۴. پس از مطالعه نشریه، با هدیه دادن آن به دیگران، مُرُوج فرهنگ باشید.

نشریه دارای اسما متبرکه است و حفظ حرمت آن بر عهده خواننده می باشد.



@BDF\_Admin



@MDRSEH



@MDRSEH\_ILAM



@BDFILAM



## سخن مدیرمسئول

بسم الله الرحمن الرحيم  
 خداوند را به پاس عنایتی که به ما اعضا و دست‌اندرکاران نشریه مدرسه کاغذی روا داشت تا اینک بتوانیم شماره دوم فصلنامه مدرسه کاغذی را منتشر کنیم شاکریم.  
 یکی از اهداف ما همواره ایجاد فضایی مناسب برای ترویج روحیه معلمی در همه دانشجومعلمان دانشگاه فرهنگیان بوده و هست و در این نشریه هم به سبک شماره قبل اکثر مطالب را سعی کردیم در این خصوص باشد که در واقع همان کار تخصصی و آینده همه ماست ان‌شاءالله که مفید واقع شود. اینجا جا دارد از دانشجومعلمان سایر استانها و نیز از دانشجویان سایر دانشگاه‌های استان در این راه با ما همراه شدند صمیمانه تشکر کنم.  
 ضمن آرزوی سلامتی برای شما عزیزان بر این نکته پای می‌فشاریم که آنچه یاری بخش ما در ارائه این نشریه بوده و هست همواره نکته نظرات و پیشنهادات شما دوستان بوده، ان‌شاءالله که تا شماره‌های بعدی هم ما را با نظراتتان همراهی بفرمائید.  
 نیما رنجبریان، زینب‌سادات رازی

## سخن سردبیر

درود  
 خداراشاکریم که عمری دوباره به ما عطا فرمود تا توفیق همراهی با شما مخاطبان عزیز، با شماره‌ی دوم نشریه مدرسه کاغذی را، داشته باشیم.  
 در شماره حاضر نشریه، افتخار همکاری با جمعی از دانشجومعلمان فرهیخته داشتیم که هرکدام صاحب قلم و فن هستند و حرف‌های زیادی برای گفتن در این عرصه دارند؛ به این سبب در این شماره شاهد تغییرات رو به جلویی در همه زمینه‌ها بودیم.  
 گروه رسانه مجازی نشریه نیز، خوشبختانه تشکیل گردید. همچنین ایشان پایه‌پای اعضای هیئت‌تحریریه به تولید محتوا در فضای گسترده مجازی پرداختند.  
 فعالیت رسانه‌ای طولانی‌تر و جامع‌تر از جامعه‌پذیری مدرسه می‌باشد. چون:  
 - فعالیت رسانه از لحظه تولد تا پایان زندگی با مخاطبانش هست. در حالیکه مدرسه فقط چندسال از عمر ما را دربرمی‌گیرد.  
 - رسانه از بیکرانه‌ها و شرقی‌ترین و غربی‌ترین نقاط جهان در هر مکان و در هر زمان که ما بخواهیم برآیمان سخن می‌گوید. اما در تربیت مدرسه‌ای ما محدودیم به زمان و مکان برگزاری.  
 در مجموع رسانه همان شمشیر دو لبه است و چه خوب که انتخابان رسانه‌هایی باشد که شخصیت و دانشمان را اعتلا بخشند.  
 در پایان راهنمایی و هدایت‌های اعضای هیئت‌تحریریه و گروه رسانه برای رشد و توسعه‌کیفی نشریه مدرسه کاغذی را راه‌گشا و ارزشمند می‌دانم.  
 امیدوارم از خواندن مطالب نشریه لذت ببرید.

امیر کرمی‌امین

## فهرست مطالب

|       |               |                                     |  |                                 |                          |
|-------|---------------|-------------------------------------|--|---------------------------------|--------------------------|
| سیاسی | ۳             | مذاکره خوشبینی یا ساده لوحی         | ۲۴                                     | از تخته هوشمند تا شین، الف، دال |                          |
|       | ۴             | حقوق زنان، تساوی یا تشابه؟          | ۲۵                                     | روش‌های نوین تدریس              |                          |
|       | ۷             | توثیت گردی: سیاسی                   | ۲۶                                     | ۱۲ سال را می‌شد بهتر هدر داد    |                          |
|       | ۸             | ولایت مطلقه؟!                       | ۲۸                                     | خانواده متعالی                  |                          |
|       | ۱۰            | حقوق بشر آمریکایی                   | ۲۹                                     | یادت باشد، یادم هست...          |                          |
|       | علمی - پژوهشی | ۱۱                                  | صفحه‌های خلاق اینستاگرام               | ۳۰                              | سفره رنگین               |
|       |               | ۱۲                                  | توثیت گردی: علمی                       | ۳۰                              | تلویزیون سلاحی دوگانه    |
|       |               | ۱۳                                  | مصاحبه با ریاست دانشگاه فرهنگیان ایلام | ۳۱                              | اسلام ستیزی به روایت قرن |
|       |               | ۱۶                                  | مدارس منتسوری                          | ۳۲                              | انتظار دیدار             |
|       |               | ۱۸                                  | این زنگ، دلتنگی                        | ۳۲                              | کافه کتاب                |
| ۱۹    |               | خان آکادمی، کلاسی رایگان برای همگان | ۳۳                                     | طبیعت وحشی که رو به نابودی است  |                          |
| ۲۰    |               | مردان آفلاین آنلاین نما             | ۳۴                                     | برتری‌های حضرت علی (ع)          |                          |
| ۲۱    |               | تدبیری فراسوی اندیشه انسان          |  |                                 |                          |
| ۲۲    |               | اگر توتوچان باشی، اخراجی!           |  |                                 |                          |
| ۲۳    |               | تریزومی ۲۱                          |  |                                 |                          |



# مذاکره خوشبینی یا ساده لوحی

بعد از شهادت حاج قاسم و فریاد انتقام تشییع‌کنندگان میلیونی سردار، کم‌تر کسی فکر می‌کرد، هنوز کسانی باشند که به مذاکره با آمریکا امید داشته باشند چه برسد به آنکه جرئت طرح دوباره آن را داشته باشند، اما هنوز یک سال هم نگذشته اگر به فضای رسانه و تیتراهای برخی روزنامه‌ها نگاه کنیم برای مذاکره مجدد و به قول خودشان احیای برجام امید به پیروزی جو بایدن در انتخابات پیش رو دارند، جریانی که از جمهوری خواهان نگران و به دموکرات‌ها دل‌بسته‌اند، غافل از اینکه شدیدترین تحریم‌ها در دوران دموکرات‌ها رقم خورده است. هرچند که رئیس‌جمهور در اولین روز توافق برجام، صریح اعلام کردند که در روز اجرای توافق، تمام تحریم‌ها حتی تسلیحاتی و موشکی لغو خواهند شد و هدف برجام لغو تحریم‌های ظالمانه بوده است!

گروه مذاکره‌کننده دولت، برخلاف هشدارهای رهبری اعتماد زیادی به آمریکا داشت، رئیس‌جمهور معتقد بود نمی‌توان صد در صد به کشوری حتی آمریکا بدبین بود و آقای ظریف هم آن‌قدر خوش‌بین بود که امضای جان کری را تضمین می‌دانستند و بارها اعلام کرد امکان ندارد ناقص برجام باشد و از برجام خارج شود.

اما اگر نگاهی کوتاه به اقدامات آمریکا داشته باشیم می‌فهمیم علت آن‌همه تذکرات و هشدارهای رهبری چه بوده و چرا مذاکره مجدد با آمریکا همچون بار قبلی خسارت محض است

## منع فروش بوئینگ به ایران

مجلس نمایندگان آمریکا هفتم جولای ۲۰۱۶، برای جلوگیری از فروش هواپیماهای مسافربری بوئینگ، لایحه‌ای به دو متمم در این زمینه مضاف به لایحه بودجه خدمات مالی، تصویب کردند. این طرح توانست بر سایر شرکت‌هایی که قصد فروش هواپیما به ایران را دارند اثر بگذارد چون تقریباً همه جت‌های امروزی حاوی بیش از ۱۰ درصد قطعات آمریکایی هستند و بنابراین به مجوز آمریکا نیاز دارند.

## ممانعت از دسترسی ایران به دلار آمریکا

سناتورها، مارکو روبیو و مارک کیرک روز ششم آوریل ۲۰۱۶ قانونی را ارائه کردند تا مانع تبادل ارزی بانک‌ها با ایران از طریق دلار آمریکا شوند. این قانون از دسترسی غیرمستقیم ایران به واحد پولی آمریکا از طریق مسدودسازی سیستم نقل‌وانتقال بانکی دلار در خارج از آمریکا برای معاملات مرتبط با تهران یا افراد با ملیت ایرانی جلوگیری کرد و آن‌قدر مشکل‌ساز بود که ایران نمی‌توانست حقوق کارکنان سفارتش را پرداخت کند.

## تحریم‌های جدید به بهانه آزمون موشکی

در فروردین سال ۹۵، رسانه‌ها از اعمال تحریم‌های جدید علیه برخی از اشخاص و نهادهای ایرانی خبر دادند و وزارت خزانه‌داری آمریکا ادعا کرد که تحریم این افراد به دلیل مشارکت در برنامه موشک‌های بالستیک ایران صورت گرفته است.

## کری (همان‌که امضایش تضمین بود): تحریم‌های جدیدی را وضع می‌کنیم

کری روز ۲۳ اسفند سال ۹۴ پس از دیدار با وزیران خارج چند کشور اروپایی در پاریس، تأکید کرد که «نگرانی‌های موشکی به‌عنوان بخشی از فعالیت‌های قابل تحریم، باقی می‌مانند» و اضافه کرد: اگر نقض [قطعنامه] خواست ایران باشد، آن‌ها پذیرای تحریم‌های اضافی خواهند شد، همان‌طور که ماه گذشته و به‌عنوان پیامد آزمایش‌های پیشین اعمال کردیم.

همه این اقدامات در حالی رخ داد که طبق گزارش‌های چندباره آژانس ایران به همه تعهداتش عمل کرده بود آن‌وقت آیا عاقلانه است که دوباره با چنین کشوری سر میز مذاکره نشست؟ ما برجام را هم در زمان دموکرات‌ها و هم جمهوری‌خواه‌ها تجربه کردیم و به‌جز زررشک چیزی عایدمان نشد، پس بایدن دموکرات هیچ فرقی با ترامپ جمهوری‌خواه ندارد و اعتماد دوباره به آن‌ها اگر نگوییم خیانت ساده‌لوحی است هدف همه یکی است نابودی جمهوری اسلامی ایران.

گفتنی‌ها گفته شد دیگر آقایان می‌دانند نگاهشان را به داخل معطوف کنند یا مثل قبل کشور را معطل باغ بی‌ثمر برجام کنند.



# حقوق زنان، تساوی یا تشابه؟

و همه آنانی که آیین پذیرند نیز رستگاری یابند و...» در «گات» ۵۳ که بیش‌تر به جایگاه اجتماعی زن و مرد اشاره شده است به‌طورکلی در این دو فراز از زنان و مردان و تمام کسانی یاد می‌شود که به این آیین پیوندند و دستورات این آیین را رعایت کنند که در نتیجه مسیر تکامل را خواهند گذراند، یعنی تفاوتی میان زن و مرد در دین‌داری و پیروی از این آیین وجود ندارد و به‌صورت مشترک به آن تصریح شده است.

یک عقیده خرافی در زرتشتیان وجود دارد بر اساس این عقیده اگر زنی از خود پسری نداشته باشد، بسیار دشوار خواهد بود که از پلی که در رستاخیز به بهشت متصل است، عبور کند، یعنی تنها داشتن فرزند پسر، عامل نجات و گذر از پل صراط فرض شده است.

جایگاه زن در آیین یهود تصویر حوا، در روایات یهودی به‌عنوان یک وسوسه‌گر مطرح شده است و همه زنان به‌عنوان کسانی تصور شده‌اند که از مادرشان، یعنی حوا، گناه، حيله و فریب را به ارث برده و در نتیجه همه آنان، نا درستکار و از نظر اخلاقی، پست و گناه‌کارند.

رَبی‌های یهود ۹ لعنت را که خداوند، همراه با مرگ به زنان، به خاطر هبوط و سقوطشان، تحمیل کرده است چنین برمی‌شمارند؛

- ۱) تحمل بارداری
- ۲) تحمل درد زایمان
- ۳) تحمل بزرگ کردن فرزند
- ۴) این‌که به‌عنوان گواه و شاهد پذیرفته نمی‌شود
- ۵) پس از همه این‌ها مرگ پاداش اوست و...»



زمانی که آناندا، یکی از گرمی‌ترین پیروان بودا سؤال می‌کند که چرا زنان محروماند؟ بودا این‌طور جواب می‌دهد: «از زن به‌کلی بر حذر باش ای آناندا! زنان شرورند، زنان حسودند، زنان بخیل و پست‌اند، زنان از خرد و اندیشه به دورند.» وقتی آناندا می‌پرسد که اگر به‌حکم ضرورت با زنی مواجه شدم چه می‌شود. بودا پاسخ می‌دهد: «کاملاً بیدارباش، اگر پیرند با آنان چون مادر سلوک کن و اگر جوان‌اند آن‌ها را خواهر بدان، چون زن مثل تمساح و نهنگ سهمگین و خون‌آشام است که در رود زندگی می‌نشیند تا شناوری را صید و طعمه خویش سازد.»

جایگاه زن در آیین زرتشت در یکی از بخش‌های اوستا که به «گات‌ها» معروف است، در «گات» ۴۶ گفته شده است: «منم زرتشت، آن برانگیزاننده اهورامزدا که برای نخستین بار، آموختم که تویی مزدای بی‌همتا، آن داور بی‌همتا که مردم را توسط من به میانجی، منش نیک و بهترین راستی به کار و کوشش به روی زمین خواندی...»، این‌چنین کسان، مردان وزنانی که دستورات دین را به کار برند، رستگار خواهند بود و به پاداش به‌گزینی‌شان در آن سرزمین جاویدانی اهورایی وارد شوند

جدایی بین مرد و زن روا نیست که زن از مرد و مرد از زن جدا نیست به هر جا گل‌رخان همدوش مردند که بی گل هیچ بزمی را صفا نیست کنون دیگر در این عصر درخشان زنان را روزگار انزوا نیست نباشد دوره فردوسی امروز زن قرن طلایی اژدها نیست حقوق مرد و زن باشد مساوی که قانون است و قانون ادعا نیست به چشم خویشتن باشیم شاهد که بی‌زن رونقی در کارها نیست زن، بانو، خانم چه واژه‌های لطیفی، هر سه کلمه یادآور مهربانی و محبت و عاطفه‌اند و چکیده هر سه را در مادری توان خلاصه کرد، حقوق زنان از دایره گسترده برخوردار است برای ورود به این بحث لازم است ابتدا از خود سؤال کنیم که آیا با حق و حقوق زنان که حداقل نیمی از پیکره جامعه را تشکیل می‌دهند، آشنایی داریم یا نه؟ این حقوق در هر جامعه تعاریف متفاوتی دارد و میزان دسترسی زنان به آن یکسان نیست چه‌بسا در بعضی جوامع یک واژه بیگانه تلقی شود لذا قصد داریم ابتدا با حقوق و مقام زن در ادیان مختلف آشنا شویم و سپس به این سؤال جواب بدهیم که تلفظ صحیح در اسلام، تساوی حقوق زنان است یا تشابه حقوق زنان؟

جایگاه زن در آیین بودا در این مسلک، اگرچه زن موجودی است با ظاهر فرشتگان، اما در اعماق قلبش روح شیطانی و دام خطرناک نهفته و گسترده است. از این‌رو تا مدتی هیچ زنی را به کیش خود نمی‌پذیرفتند و اظهار می‌داشتند: «خدایا ما را از شر شیطان و نفس فرومایه و زن، حفظ کن.» و شعار آنان این بود: «نجات، در مصاحبت با زن، تحصیل نمی‌شود!»



مرد است و برای مرد آفریده شده است، اسلام با صراحت کامل می‌گوید: زمین و آسمان برای انسان آفریده شده‌اند، اما هرگز نمی‌گوید که زن برای مرد آفریده است، بلکه هر یک از زن و مرد برای یکدیگر آفریده شده‌اند.

تساوی حقوق یا تشابه حقوق تساوی حقوق چه ترکیب قشنگ و مقدسی، این واژه، هر فردی که وجدان و فطرت پاکی داشته باشد را در مقابل خود، خاضع می‌کند؛ اما متأسفانه یک سری افراد می‌خواهند این واژه در پوست تشابه حقوق به ما تحمیل کنند، تحمیلی که یکی از نتایج آن؛ ایجاد جنبش فمینیسم در قرن بیستم برای به دست آوردن حقوق زنان با شعار آزادی‌های زنان از یک سو و برابری و تساوی او با مرد از سوی دیگر بود. دیدگاه‌های فمینیستی زن را در تقابل با مرد قرار می‌دهد و رشد و پیشرفت زنان را بدون ارتباط با مردان تعریف می‌کند، اما به نتیجه رسیدن حقوق زنان، با همراهی مردان میسر خواهد شد. در واقع زنان در یک جامعه زمانی می‌توانند به حقوقشان برسند که مردان آن جامعه باور کنند همان‌گونه که زنان فرزند خوب برای خانواده، مادری خوب برای فرزندان و شاگردی خوب برای مدرسه و دانشگاه هستند، می‌توانند یک سیاست‌مدار خوب، یک معلم خوب، یک پزشک خوب و یک کارآفرین خوب هم باشند، اما این نهضت به دلیل اینکه با احساسات توأم بوده و از مبانی و پایه‌های عقلانی و علمی بی‌بهره بود، هرچند حقوق زیادی برای زنان ثابت کرد اما در مقابل یک سری بدبختی و اسارت‌های جدیدی را برای وی به ارمغان آورد.

شدن و به دنیا آوردن کودکان تا سر حد امکان، بدون توجه به جوانب آن، برای زنان قائل نیست؛ «اگر آن‌ها از پا درآمدند و یا حتی مُردند، مسئله‌ای نیست، بگذارید آنان در زایمان بمیرند، زیرا این دلیل بودن آن‌ها در اینجاست.»

انجیل کاتولیک می‌گوید: «زایش دختر یک خسارت است. دختر به‌عنوان مولودی دردناک و منبعی نهایی برای آبروریزی پدرش به حساب آمده است.»

جایگاه زن در اسلام اسلام در حق زن نظریه‌ای ابداع کرده که از روزی که جنس بشر پا به عرصه دنیا گذاشت تا آن روز، چنین طرز تفکری در مورد زن وجود نداشت. اسلام در این نظریه خود، با تمام مردم جهان درافتاده و زن را آن‌طور که هست و بر آن اساسی که آفریده شده به جهان معرفی کرده، اساسی که به دست بشر منهدم شده و آثارش نیز محو گشته بود. اسلام عقاید و نظرهایی را که مردم درباره زن داشتند و رفتاری که در عمل با زن می‌کردند را بی‌اعتبار نمود. در ادیانی که تا به اینجا خواندیم هر کدام نگرش منفی نسبت به آفرینش زن داشتند ولی خداوند با ترویج دادن دین اسلام توسط حضرت محمد (ص) و عطا کردن حضرت زهرا (س) به ایشان خط بطلانی بر تصورات غلط دیگر ادیان کشید.

برتراند راسل می‌گوید: «در همه آیین‌ها، نوعی بدبینی به علاقه جنسی یافت می‌شود، مگر در اسلام؛ اسلام از نظر مصالح اجتماعی حدود و مقرراتی برای این علاقه وضع کرده؛ اما هرگز آن را پلید نشمرده است. یکی از نظریات تحقیرآمیزی که اسلام با آن مبارزه کرده است این است که گفته‌اند: زن مقدمه وجود

قلب یهود، تورات است و تورات یعنی قانون، اما بر طبق تلمود (یکی از کتاب‌های اصلی یهودیت ربانی است.) زنان از مطالعه تورات معاف‌اند. بعضی از ربی‌های یهود به شدت تابع این عقیده‌اند که «بهتر است کلمات تورات به آتش بسوزد تا این‌که زنان از آن بهره‌مند شوند؛ و هر کس دخترش را تعلیم دهد، مانند این است که او را وقاحت، تعلیم نموده است.»

ربیون یهود، حق شوهر بر دارایی‌های همسرش را به‌عنوان یک نتیجه فرعی از مالکیت شوهر بر همسر می‌دانند. اگر شخصی، مالک زنی شود، آیا به این نتیجه نمی‌رسیم که او مالک دارایی‌های او نیز هست؟ و اگر او زن را به دست آورد. آیا دارایی او را به دست نمی‌آورد؟

نکته تأسفبار در باور یهودیان این است که مرد، این توانایی را دارد که اگر زنی را دید که از همسر خودش زیباتر است، همسر خود را طلاق دهد.

جایگاه زن در آیین مسیحیت گناه حوا، نقش اساسی در ایمان همه مسیحیان دارد، زیرا به تصور مسیحیان، علت مأموریت عیسی مسیح (ع) بر روی زمین، از نافرمانی و سرپیچی حوا از دستور خداوند سرچشمه می‌گیرد. او گناه کرد و سپس آدم را اغوا نمود که درخواستش را اجابت کند؛ بنابراین خداوند هردوی آنان را از آسمان به زمین هبوط داد، آن دو، گناهانشان را که از سوی خداوند بخشیده نشده بود به همه نسل‌هایشان واگذار نمودند و بنابراین تمام انسان‌ها زاییده می‌شوند و برای پاک کردن انسان از گناه نخستین، خداوند مجبور بود که عیسی مسیح (ع) را که به‌منزله پسر خدا بود به صلیب قربانی نماید.

مارتین لوتر؛ هیچ سودی جز بچه‌دار



موضع قرآن و مسلمانان صدر اسلام، گواه این حقیقت است که وجود زن به اندازه مرد در زندگی حیاتی است و او نه در مرتبه‌ای پایین‌تر از مرد قرار دارد و نه آنکه فرودست محسوب شود. تساوی مقام زن و مرد برای همه مسلم است اسلام، به زنان حقوق و امتیازاتی را داده است که او تحت هیچ دین و یا نظام قانونی دیگری از آن‌ها برخوردار نبوده است. حقوق و وظایف یک زن مساوی یک مرد است اما الزاماً مشابه آن‌ها نیست، در واقع اسلام اصل مساوات انسان‌ها را درباره زن و مرد رعایت کرده است. اسلام با تساوی حقوق زن و مرد مخالف نیست، با تشابه حقوق آن‌ها مخالف است. استاد مطهری در این باره می‌نویسد: «تساوی غیر از تشابه است، تساوی برابری است و تشابه یکنواختی، مساوات و مشابهت دو مفهوم کاملاً متفاوت هستند. این تفاوت قابل‌درک است چراکه زن و مرد مشابه نیستند، ولی مساوی خلق شده‌اند. با در نظر داشتن چنین تمایزی، مشکلی ایجاد نمی‌شود».

تمایز میان برابری و تشابه دارای اهمیت فوق‌العاده است. برابری، مطلوب و واقعاً عادلانه است، در حالی که تشابه چنین نیست. مردم همانند یکدیگر آفریده نشده‌اند ولی برابر خلق شده‌اند. هیچ زمینه‌ای برای اینکه تصور کنیم که زن به دلیل آنکه حقوق مشابه مرد ندارد، دارای اهمیتی کمتر از مرد است، وجود

ندارد. اگر مقام او درست مشابه مقام مرد بود، آنگاه زن، نسخه دیگری از مرد می‌شد که چنین نیست. این حقیقت که اسلام به زن حقوق مساوی و نه مشابه مرد می‌دهد نشان می‌دهد که اسلام زن را به درستی در نظر گرفته و او را به رسمیت شناخته و برایش شخصیت مستقلی قائل است. شهید مطهری (ره) در این رابطه معتقد است: «زن و مرد در انسانیت برابرند، ولی دو گونه انسان‌اند، با دو گونه خصلت‌ها و دو گونه روانشناسی و این اختلاف ناشی از عوامل جغرافیایی و یا تاریخی و اجتماعی نیست، بلکه طرح آن در متن آفرینش ریخته شده است. طبیعت از این دو گونه‌ها، هدف داشته است و هرگونه عملی بر ضد طبیعت و فطرت عوارض نامطلوبی به بار می‌آورد؛ بنابراین زن و مرد به لحاظ تفاوت‌های خلقتی و روانشناسی، اگرچه از حقوق مساوی برخوردارند اما هیچ‌گاه از حقوق مشابه یکدیگر برخوردار نیستند».

نتیجه

زن در دیدگاه اسلام با مرد در حقیقت انسانی و سیر تکاملی تفاوتی ندارد. عنایتی که اسلام به بانوان داده است، بیشتر از عنایتی است که بر مردان دارد، مربی انسان‌ها زن است خوشبختی و بدبختی، کشورها بسته به وجود زن است. زن با تربیت صحیح خودش انسان را پرورش می‌دهد؛ زن مبدأ همه خیرات است و کشور را آباد

می‌کند زن و مرد، دستاره‌اند که در دو مدار مختلف حرکت می‌کنند. شرط اصلی سعادت هر یک از زن‌ها و مردها در جامعه بشری این است که هر یک در مدار خویش به حرکت ادامه دهند و آزادی و برابری هم وقتی مفید است که هر دو مسیر فطری و طبیعی خویش را بپیمایند، اسلام با ظهورش انقلابی در وضع زنان ایجاد کرد، انقلابی که به زنان حقوق مساوی با حقوق مردان اعطاء نمود، چراکه در انسانیت تفاوتی میان زن و مرد نیست و اگر تفاوت‌هایی در بعضی از حقوق دارند، مربوط به ویژگی زن یا ویژگی مرد است و امری کاملاً طبیعی و عقلایی است و هیچ‌کدام از این حقوق ویژه، ملاک ارزش و امتیاز نزد خداوند سبحان نیست. آنچه را که ملاک کرامت و ارزش به جامعه معرفی کرد، مربوط به انسانیت انسان است، نه زن و مرد بودن انسان.

در پایان با یک حدیث زیبا، مبحث را به اتمام می‌رسانیم.

امام جعفر صادق (ع) می‌فرماید:

أَكْثَرُ الْخَيْرِ فِي النِّسَاءِ.

بیشترین خیروبرکت همراه با زنان است.

منابع

کتاب نظام حقوق زن در اسلام شهید

مطهری

بررسی حقوق زنان از دیدگاه اسلام

وسیره امام خمینی



# توئیت گردی

## #هفت\_تپه

### محمد جهان

فکرشم خیلی دردناکه که متهم با کت وشلوار بره داخل دادگاه و تا دادگاه بخواد کاری انجام بده، متهم گرامی معیشت کارگران را گروگان بگیرد و دادگاه را کاملاً کانالیزه کند  
آقای ق.ق.ق مراقب باشید که به خاطر اهرم‌های فشار، حقی در این پرونده تبدیل به ناحق نشود!  
#هفت\_تپه



### مرتضی جمشید پور

هفت‌تپه، نمادی از ایستادگی و پایداری مردم رنج دیده خوزستان است. حالا پس از نیم‌قرن تلاش بی‌وقفه با گندهایی که #اسدببگی و رفقاییش در آن زده‌اند، کارگران #هفت\_تپه حق‌دارند فریاد بی‌کفایتی بخش خصوصی را سر دهند.  
آقای دولت، به داد مظلومان هفت‌تپه برسید پیش از اینکه دیرتر شود!



### پسر شهید زنده

حقوق کارگر را ندهی!  
کارگر حتی برای مطالبات کوچک مجبور شود اعتصاب کند و بعد با کمک حامیان در استانداری برای کارگران معترض پرونده بسازی!  
این حجم از وقاحت برای همه اشقیای تاریخ قفل بوده!



### نظام‌الدین موسوی

معاون اول رئیس‌جمهور در جلسه‌ای گفته است چرا نمایندگان مجلس با حضور در جمع #کارگران-هفت\_تپه مطالبات را افزایش می‌دهند؟  
آقای جهانگیری! اولاً نماینده مردم موظف به پیگیری مطالبات آنان است. ثانیاً سؤال درست این است که شما چرا در جمع کارگران حاضر نشده و حرف و مطالبه آن‌ها را نمی‌شنوید؟



### علی صفری

یکی از عواملی که باعث شده #هفت\_تپه اوضاع نابسامانی پیدا کنه نوع نگرش کارفرمای هفت‌تپه به نیرو کار هست، به‌طوری‌که کلاً اعتقادی به فرد متخصص و آموزش تخصصی نداره؛ در عوض به سپردن مسئولیت‌ها به نزدیکان بی‌تخصص به شدت معتقد...  
نمیدونم چه طور تا حالا اختیاراتش سلب نشده؟!



### ادواردو

اندوه من این است که بی‌خردان و بدکاران این امت، حاکم بر شما شوند و مال خدا را میان خویش، دست‌به‌دست گردانند و بندگان خدا را بردگان خویش پندارند و با نیکوکاران در جنگ و با فاسقان همراه باشند.

نهج‌البلاغه، نامه ۶۲  
#کارگران\_هفت\_تپه





# ولایت مطلقه؟!!

و استفاده از اختیارات فراتر از قانون اساسی بهانه‌ای است برای متهم کردی رهبری به عدم رعایت چارچوب قانون!

آیت‌الله خامنه‌ای ولایت مطلقه را که بعضی آن را این‌گونه تعبیر کرده اند که رهبری در نظام جمهوری اسلامی، رها از همه قوانین است و مثل یک اسب افسار کننده هر جا که بخواهد و هر کار که بخواهد می‌تواند بکند مغالطه خواندند و رهبری را یک مدیریت کلان ارزشی دانستند نه مدیریت اجرایی! به این معنا که مدیریت اجرایی در بخش‌های مختلف قوه قضائیه، مقننه و مجریه ضوابط مشخصی دارد و هر کدام مسئولیت‌هایی دارند و رهبری ناظر به این‌هاست، به چه معنا؟ به این معنا که از حرکت کلی نظام مراقبت کند.

همچنین در این باره مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «بعضی‌ها دوست می‌دارند که همین‌طور بگویند فلان تصمیم‌ها بدون نظر رهبری گرفته نمی‌شود. نه این‌طور نیست. مسئولین در بخش‌های مختلف مسئولیت‌های مشخصی دارند. در بخش‌های اقتصادی، سیاسی، نمایندگان مجلس در بخش خودشان، مسئولان قوه قضائیه در بخش خودشان، مسئولیت‌های مشخصی دارند. در همه این‌ها رهبری نه می‌تواند دخالت کند، نه حق دارد دخالت کند و نه قادر است دخالت کند، اصلاً امکان ندارد! خیلی از تصمیم‌های اقتصادی ممکن است گرفته بشود، رهبری قبول هم نداشته باشد، اما دخالت نمی‌کند! مسئولینی دارد که آن‌ها باید عمل کنند؛ اما آنجایی که اتخاذ یک سیاست منتهی خواهد شد به کج شدن راه انقلاب، رهبری مسئولیت پیدا می‌کند»

و در یک کلام «در تصمیم و عمل رهبری باید عقلانیت در خدمت اصول و واقع‌بینی در خدمت آرمان‌گرایی قرار بگیرد.»

قرار گرفتن عقلانیت در خدمت اصول! یعنی رهبری، ارشاد، تذکر و مانعی در برابر کج شدن راه انقلاب؛ و نه قهر و عتاب علیه ناخلفان و دادن بهانه به دست ماهی گیران.

اما اینکه رهبری در مسائلی چون اقتصاد و تصمیم‌گیری‌های مربوطه اجازه دخالت ندارد به این معنا نیست که علیه هرگونه تصمیمی سکوت برگزیند.

همان‌طور که در جریان هستیم با اعمال تحریم علیه جمهوری اسلامی و در تنگنا قرار گرفتن اقتصاد و معیشت، برجام شاید نقطه امید برای رهایی از این فشار بود؛ که متأسفانه با خروج ایالات متحده از آن و عمل نکردن دولت‌های مربوطه به قرارداد مورد نظر این امید هم نتوانست فشار معیشتی را آن‌طور که باید بردارد.

برجام مورد تاکید دولت و البته اکثریت آحاد جامعه بود. رهبری نمی‌توانست با تصمیم حکومتی علیه این نظریه قیام کند. این عقیده که میزان رأی ملت است علاوه بر امام خمینی در سیره حکومتی آیت‌الله خامنه‌ای نیز گنجانده شده است. زمانی که مردم ایران رئیس‌جمهوری را انتخاب می‌کنند که دم از مقاومت میزند رهبری سیاست‌هایش را بر مبنای مقاومت تعیین می‌کند و زمانی که مردم رئیس‌جمهوری را انتخاب می‌کنند که خواهان مذاکرات و ارتباط با دولت‌های خارجه است سیاستش بر مبنای نرمش قهرمانانه قرار می‌گیرد.

«ولایت‌فقیه از موضوعاتی است که تصور آن‌ها موجب تصدیق می‌شود و چندان به برهان احتیاج ندارد؛ یعنی هرکس عقاید و احکام اسلامی را حتی مختصر دریافته باشد، چون به ولایت‌فقیه رسد، بی‌درنگ آن را تصدیق خواهد کرد و آن را ضروری خواهد دانست.»

ما شیعیان معتقد به ولایت هستیم همچنین بر این نظر اتفاق داریم که مطابق با روش و سنت پیغمبر اکرم و ائمه اطهار برای اجرای قوانین اسلامی نیاز به تشکیل حکومت و تعیین خلیفه هست، با توجه به جاودانگی دین اسلام و محدود نبودن آن به زمان، پس لزوم تشکیل حکومت همیشگی است.

رهبر حکومت اسلامی در عصر حاضر (غیبت پیشوای دوازدهم) باید احکام را بداند، قانون دان باشد، عدالت داشته باشد، از کمال اعتقادی و اخلاقی برخوردار باشد و در یک کلام افضل در علم و تدبیر باشد. امام خمینی در این باره می‌گوید: «اگر فرد لایقی که دارای این خصوصیات باشد، به پا خاست و تشکیل حکومت داد، همان ولایتی را که حضرت رسول اکرم در امر اداره جامعه را داشت، بر همه مردم لازم است که از او پیروی کنند.»

اما آنچه که امروز فراوان شنیده می‌شود این است که اگر رهبری، زمام دار جامعه اسلامی است و پرچم این ولایت را بر دوش گرفته است، چرا شاهد برخورد ایشان در فساد مالی و بحران اقتصادی کشور نیستیم؟!!

برای پاسخ به این سؤال لازم است قبل از هر چیز وظایف و اختیارات رهبری را طبق قانون اساسی ج.ا (جمهوری اسلامی) که خط مشی‌های نظام و حکومت را تعیین می‌کند شرح دهیم.

مطابق با اصل ۱۱۰ قانون اساسی وظایف رهبری (اجمالاً) به این شرح است:

تعیین سیاست‌های کلی نظام ج.ا پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام و نظارت بر حسن اجرای آن/فرمان همه‌پرسی/فرماندهی کل نیروهای مسلح/اعلان جنگ و صلح/نصب و عزل و قبول استعفای فقهای شورای نگهبان، رئیس قوه قضائیه، رئیس سازمان صداوسیما ج.ا، رئیس ستاد مشترک، فرمانده کل سپاه و فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی/حل اختلافات و تنظیم روابط سه قوه/حل مشکلات نظام که از طریق عادی قابل حل نیست/امضا حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم/صلاحیت عزل رئیس‌جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور و پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی و عفو و تخفیف مجازات محکومین پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه.

مطابق با این اصل قانون اساسی، حل مشکلات نظام که از طریق عادی قابل حل نیست بر عهده رهبری است و رهبری اجازه استفاده از اختیارات مطلقه خود در اداره امور کشور را دارند اما این به آن معنا نیست که همیشه شرایط و امکان استفاده از این اختیارات وجود داشته باشد.

در روش حکومتی امام خمینی و مقام معظم رهبری اصل مردم‌سالاری دینی و دادن فرصت انتخاب‌گری به آحاد جامعه مورد تاکید است. ورود حاکمیت و دادن حکم حکومتی در هر مسئله‌ای بهانه‌ای برای نادیده انگاشتن ساختارهای دموکراتیک و القای دیکتاتوری بودن نظام و عدم توجه به رأی ملت است.



مالکیت، توجه به زیرساخت‌ها، توجه به قطعه‌سازی، توجه به معدن، تولید محصولات اساسی در کشور مثل گندم و مبارزه جدی با واردات محصولاتی که در کشور تولید می‌شوند و یا امکان تولید دارند از جمله مواردی است که مکرراً به مسئولین گوشزد شده است و متأسفانه شاهد بی‌توجهی به این امور و نادیده انگاشتن تذکرات از سوی مسئولین مرتبط هستیم.

همچنین فعالیت‌های خدمت‌رسانی، بنیاد مستضعفان، ستاد اجرایی فرمان حضرت امام، قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا، بسیج سازندگی، کمیته امداد امام خمینی از جمله راهکارهایی برای درمان‌بخش کوچکی از بیماری اقتصادی از سوی نهاد رهبری است.

و نکته دیگر در رابطه با موضوع منبع بودجه حکومت و در اختیار رهبری بودن آن است که لازم است در این خصوص مطالبی بیان گردد.

در اصل شصتم قانون اساسی اعمال قوه مجریه (جز در اموری که در این قانون مستقیماً بر عهده رهبری گزارده شده)، از طریق رئیس‌جمهور و وزرا است و مطابق با اصل ۱۱۳ این قانون پس از مقام معظم رهبری، رئیس‌جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را بر عهده دارد.

همچنین اعمال قوه مقننه (تهیه و تصویب قوانین عمومی) از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان مردم تشکیل می‌شود؛ و مصوبات آن پس از طی مراحلی برای اجرا به قوه مجریه و قضائیه ابلاغ می‌گردد؛ و اتفاقاً این دو قوه (مقننه و مجریه) به‌غیر از فقهای شورای نگهبان که بخشی از قوه مقننه را تشکیل می‌دهند و توسط رهبری انتخاب می‌گردند بارأی مستقیم مردم تعیین می‌شوند.

«حال در جمهوری اسلامی حوزه اقتصاد و مدیریت کلان آن در بخش حاکمیتی عمدتاً در همین دو قوه تمرکز یافته و سایر نهادها فاقد تأثیرگذاری مستقیم و یا صلاحیت لازم هستند.»

از طرفی طبق اصل ۱۲۶ قانون اساسی رئیس‌جمهور مسئولیت امور برنامه بودجه و امور اداری و استخدامی کشور را مستقیماً بر عهده دارد. و در آخر،

آنچه لازم است در این متن دومرتبه تکرار شود آن است که مهم‌ترین چیز برای رهبران تشیع از پیامبر اکرم تا به امروز افزایش فهم مردم است هرچند که با پذیرش آنچه در نظر اکثریت درست و در باطن غلط است.

والسلام.

منابع:

کتاب ولایت‌فقیه امام خمینی  
قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران  
سایت رسمی مقام معظم رهبری  
اندیشکده برهان  
موسسه مصاف

اکثریت مردم و انتخاب آن‌ها همیشه برای رهبران شیعه مهم بوده است.

اما جدای از این دیدگاه، مسئولیت رهبری حکم می‌کند به تذکر آنچه باید بیان گردد.

رهبری بارها راه نجات کشور را تکیه بر توان داخلی و استفاده از جوان ایرانی به‌عنوان نیروی کار عنوان کرده‌اند و بی‌پرده در چندین سخنرانی در طول زمان اعلام کرده‌اند که به این جریان خوش‌بین نیستند؛ و بارها شاهد تذکرات ایشان در رابطه با رعایت خط قرمزهای نظام بوده‌ایم.

از جمله سخنرانی ایشان در تاریخ ۲۹ مهرماه سال ۹۴ که فرمودند: محصول مذاکرات که در قالب برجام شکل‌گرفته است، دچار نقاط ابهام و ضعف‌های ساختاری و موارد متعددی است که در صورت فقدان مراقبت دقیق و لحظه‌به‌لحظه، می‌تواند به خسارت‌های بزرگی برای حال و آینده کشور منتهی شود.

و سخنانی از این قبیل؛ اما بعد از نتیجه نافرجام برجام بزرگ‌ترین درس را تجربه دانستند و خاطرنشان کردند که برجام نشان داده است راه پیشرفت کشور و بهبود وضع زندگی مردم، توجه به داخل است، نه دشمنانی که مدام در منطقه و جهان در حال مانع‌تراشی برای ایران هستند.

البته نمی‌توان تلاش‌های رهبری در جلوگیری از کشیده شدن مذاکرات به بحث‌های دفاعی، موشکی، تروریسم و مسائل منطقه‌ای را نادیده گرفت. مطمئناً اگر موضع صریح رهبری و سیاست و تدابیر ایشان نبود، امروز در وضعیت بسیار نامناسبی بودیم (جدای از وضعیت اقتصادی).

اما تذکرات و راه‌گشایی‌های رهبری تنها به مسئله‌ای چون برجام ختم نمی‌شود.

مسئله اقتصاد و گوشزد به مسئولین مربوطه از جمله مهم‌ترین مسائل موردتاکید مقام معظم رهبری است. از نظر ایشان این اقتصاد مولد و درون‌زا است که می‌تواند بار فشار اقتصادی و تحریم را بردارد.

رهبری بارها بانام‌گذاری شعار سال با عناوین اقتصادی و طرح مسائلی چون جهش تولید و تأکید بر اینکه ما از لحاظ تولید عقبیم و نیاز به توسعه و تقویت بیشتر تولید داریم دولت را موظف به حمایت از تولید و تولیدکننده دانسته‌اند. حمایت به معنای باز کردن میدان و برداشتن موانع و قوانین و مقررات دست و پاگیری از جمله منع جدی واردات و مبارزه جدی با قاچاق برای تولید داخلی نه لزوماً نقدینگی.

رهبری با تأکید بر این مسئله بیان می‌کنند که: «بعضی‌ها می‌گویند، ماهواره و سلاح و مانند این‌ها نمی‌توانند به کشور امنیت بدهند و عمده مسائل اقتصادی است. خوب این حرف‌ها را ما هم میدانیم! من می‌گویم وقتی که می‌توانیم در بخش نظامی یا فرض کنید در بخش پرتاب ماهواره فضایی یک چنین حرکتی بزرگ انجام بدهیم، چرا نمی‌توانیم اتومبیلی و یا خودرویی تولید کنیم که درصد کیلومتر مثلاً ۵ لیتر لازم داشته باشد؟!»

مبارزه جدی با فساد مالی، مقابله با کارشکنی‌های اداری، رعایت حقوق



# حقوق بشر آمریکایی

شوند لیبی را کمک و یاری کنند در برابر کشور متهاجم ولی خودشان به لیبی حمله کردند حتی کارخانه‌هایی که به دستور قذافی برای حل مشکل کم‌آبی احداث شده بودند و باعث اشتغال‌زایی شده بودند را بمب باران کردند و وقتی به عراق وارد شدند دانشمندانی که حاضر نشدند از کشورشان بروند و با آمریکا یا اسرائیل کار کنند که



تعدادشان بیش از ۴۰۰ نفر بودند را ترور کردند که نظامی نبودند. این از فجایع بین‌المللی غربی‌ها و آمریکا حتی به متعهدانشان هم رحم نکردن در زمان شاه کشتی نفتی رزماری رو توقیف کردن (توسط انگلیس) و هزینه تخلیه و دزدیدن نفت را از دولت ایران گرفت. این نتیجه اعتماد به غربی‌ها است. کشورهایی که حتی افراد با وضعیت اقتصادی متوسط به بالا حاضر به ماندن در کشورشان نیستند، نمونه‌اش بیل گیتس، جف بزوس که زمین‌هایی که خریدند در آمریکا نیست و اروپایی‌ها که به خاطر هوای سرد یا در شمال آفریقا یا بخش‌هایی از ترکیه (ازمیر) برای زندگی انتخاب می‌کنند و حتی در سال ۲۰۱۹ تعداد ۲۵۰۰ و در سال ۲۰۲۰ تعداد ۵۰۰۰ نفر درخواست لغو شهروندی آمریکا و ابطال پاسپورت‌های آمریکایی خودشان دادند.

تحلیل‌های سیاست‌مداران و شبکه‌های فارسی‌زبان خارجی و امثال زیباکلام‌ها همیشه اشتباه درمی‌آید و بازهم متأسفانه عده‌ای به آن‌ها اعتماد می‌کنند ولی تحلیل‌های رهبری، نمونه‌اش حضرت امام که به گریاچوف نامه نوشتند که متن نامه این‌گونه بود که: صدای شکستن استخوان‌های مارکسیسم را می‌شنوم در آن هنگام کسی فکر نمی‌کرد که شوروی سقوط کند ولی چندی بعد دچار فروپاشی شد و سلام علیکم ورحمت الله

از اسم آمریکا، شاید به نظر همه یک کشور پیشرفته با اقتصادی عالی، پرهزینه‌ترین ارتش جهان، دموکراسی، برج‌های سیرز شیکاگو، خیابان‌های مدرن و دستمزد بالا در ذهن‌ها مجسم شود.

به مطالبی در مورد اعتراضات آمریکا و رفتار خشونت‌آمیز پلیس می‌پردازیم.

اینان که ادعا و شعار حقوق بشر سر می‌دادند چرا به این رفتار نژادپرستانه و قتل سیاه‌پوستان سکوت کردند؟

وقتی به کمک‌های هلال‌احمر به مردم یمن واکنش نشان دادند و باعث برگشت کمک‌ها شدند و یا وقتی مناطق غیرنظامی یمن (کارخانه شیر خشک) را می‌زنند سکوت می‌کنند

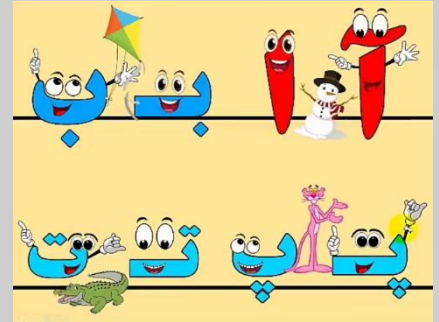
یا آمریکا، وقتی با طالبان توافق می‌کند که زندانی‌های طالبان را آزاد کند، فرانسه گفت: نباید آن‌هایی که در کشتن فرانسوی‌ها نقش داشتند را آزاد کنید (فقط فرانسوی‌ها، بقیه مردم چون افغانی و تاجیکی‌اند مهم نیست) سازمان ملل و مفهوم حقوق بشر فقط در خدمت نظام سرمایه‌داری است و ابزاری در دست امریکاست حتی برنامه تیک‌تاک که همه خواسته‌های آمریکا را پذیرفت را فیلتر کرد این آزادی اندیشه و دنیای بدون مرز است ولی وقتی تلگرام فیلتر شد (که به هیچیک از خواسته‌های کشورمان رو نپذیرفت) چه حرف‌ها که نزدند

سکوت در برابر نقض قوانین حقوق بشر و قوانینی که خود ترسیم کرده‌اند، نشان‌دهنده رسوایی آمریکا و سکوت در برابر ظلم به رنگین‌پوستان است

رفتار خشونت‌آمیز پلیس با معترضان: عکس‌های خشونت‌آمیز پلیس آمریکا و فرانسه نسبت به معترضان که در گوگل قرار گرفته بود، حتی به این عکس‌ها هم رحم نکردند و گوگل این عکس‌ها را حذف کرد و این معنای آزادی بیان از نظر غربی‌ها است، این‌ها کشور ما را متهم می‌کردند. دولت‌های استعماری هستند که به توافق‌هایی که بسته بودند عمل نکردند، نمونه‌اش توافق با گریاچوف که شوروی به تعهداتش عمل کرد، ولی خودشان نه نتیجه‌اش فروپاشی شوروی بود. همچنین توافق با لیبی که باعث شد این کشور انرژی هسته‌ای‌اش را از دست بدهد، برد موشک‌هایش را کاهش دهد و توافق شد در صورت حمله کشور ثالث به لیبی، انگلیس و بقیه، متعهد



## صفحه‌های خلاق اینستاگرام



آموزش تاکید تصاویر در پاورپوینت

**Amin Ebrahimzadeh**



گروه کلمات (تمرین بسیار جذاب و هیجان انگیز برای دانش آموزان و تقویت مهارت جمله سازی)

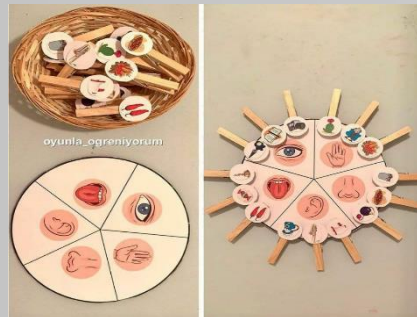
**Movaghari-aval**

 @mdrseh



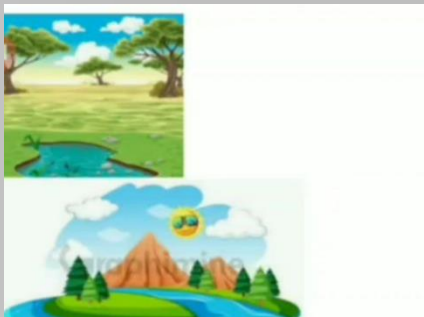
دست ورزی . کار با  
قیچی . برش خطوط

**Bagheri1885**



ایده برای آموزش حواس  
پنج گانه

**Oyunla-ogreniyorum**



روش درست کردن  
انیمیشن با استفاده از  
پیچ اینستا گرامی

**Teacher-maasumi**



خلاقیت . بارش فکری.  
دست ورزی با کمترین  
وسایل

**Khanom-moalem61**



# توئیت گردی

## فاطمه آموزگار

فرهنگیان جان مستحضر باشید، الان وقت ارائه پیشنهاد و مطالبه یک برنامه دقیق برای سال تحصیلیه، نه مهرماه! امسال رو گفتیم غافلگیر شدیم و شاد رو ناشاد گذروندیم، سال بعد اینطوری نشه  
هزینه گوشی و اینترنت معلم و دانش آموز؟ ساعت کاری؟ بستر آموزش ارزشیابی؟  
#آموزش\_و\_پرورش #سند\_تحول #آموزش\_مجازی

## Razgol

مورد داشتیم، دانشجو معلم سال سوم نمی‌دونست سند تحول چیه!:

## حمیدرضا قائم پناه

بشیری عضو کمیسیون آموزش: «امروز جوانان تحصیل کرده بسیاری، جویای #شغل هستند که باید به تدریج به #آموزش\_و\_پرورش تزریق شوند.» بزرگوار، ظاهراً آپ را با بنگاه کاریابی اشتباه گرفته و دیواری کوتاه‌تر از دیوار آن پیدا نکرده‌اید! برای جبران کمبود معلم، راهکارهای مناسبی داریم که ارائه خواهیم داد.

## آقا حسین

دانشجومعلمان هم شاد می‌شوند!  
رئیس دانشگاه فرهنگیان گفت: با اجازه‌ای که وزیر آموزش و پرورش داد، شرایط برای حضور دانشجومعلمان در شبکه شاد جهت آموزش مجازی فراهم می‌شود. باز خدارو شکر نگفت تو بله برگزار میشه!

## علیرضا

دودسته #دانشجو معلم داریم؛  
۱. افسرده و متحرک بین سلف، خوابگاه و کلاس  
۲. تعداد قلیلی که به امید ارشد دارن فضای دانشگاه رو تحمل می‌کنن.  
آگه انگیزه این چند نفرهم گرفته بشه، دانشگاه فرهنگیان تبدیل می شه به افسرده خونه و درنهایت آپ از این بدتر می شه.  
#دانش\_نجوی

## Nima Ranjbarian

سوختن مدرسه عشایری ماژین!  
\_از شاد چه خبر؟  
#مدرسه #آموزش\_پرورش



@mdrseh

## نورالهدی

درسته بحث مطالبه عیدی دانشجو معلم‌ها داغه، اما من میگم لایحه بودجه ۹۹ با دو برابر کردن بودجه خرید خدمات، مصداق بارز بی‌عدالتی آموزشی و یک خیانت بزرگ است.  
همیشه دلم می‌خواست از بچگی متفاوت باشم...:((((  
#خرید\_خدمات #بودجه\_۹۹ #مدرسه\_بنگاه\_نیست

## محسن حاجی میرزایی

فرهنگیان عزیز، می‌توانند تا سقف ۲۰۰ میلیون ریال و زوجین فرهنگی تا سقف ۴۰۰ میلیون ریال با دوره بازپرداخت ۱۲ ماهه تسهیلات دریافت کنند.  
در جهت صیانت از کرامت و تکریم فرهنگیان عزیز تمام تلاش خود را به کار گرفته‌ایم.  
#خبر\_خوب

## مربی متربی

دانشجو معلم نیستی که جلو راهتو بگیرن، بگن قصد ازدواج داری؟ بگی نه!  
و بعد بگن از دوستات چی؟؟؟ 🤔

## مسافر آسمان

شمایی که فکر می‌کنی آگه نصف غذاتو تو رستوران نخوری و رو میز ول کنی و بری لاکچری هستی!  
دانشجو معلم‌ها دوماهه پول غذا رو حساب کردن، حتی پاشونم تو سلف نداشتن! 😎



# مصاحبه با ریاست دانشگاه فرهنگیان استان ایلام

نویسنده

فاطمه رحمتی

الهام امایی

گفتگو



آقای دکتر، لطفاً خودتان را معرفی کنید و در صورت صلاحدید، شرح مختصری از سوابق کاری خویش را بیان کنید.

بسم الله الرحمن الرحيم

عرض سلام و ادب و احترام دارم خدمت شما، بقیه همکارانتان و همه خوانندگان محترم

ابتدا می‌خواهم سلام و درود بفرستم به روح پرفتوح شهدای عزیز و امام شهدا، آرزوی سلامتی و طول عمر باعزت، برای مقام معظم رهبری و همچنین آرزوی توفیق برای همه کارگزاران صادق نظام جمهوری اسلامی بخصوص دولت تدبیر و امید داشته باشم.

تاج‌الدین صالحیان هستم، دارای مدرک دکتری تخصصی روابط بین‌الملل. معلم آموزش و پرورش بوده و هستم، در ابتدای دهه ۸۰ به‌عنوان مدیر آموزش جهاد دانشگاهی استان و در واقع راه‌انداز آموزش جهاد دانشگاهی استان انجام‌وظیفه کردم. در سال‌های ۸۳ تا ۸۵ در اداره کل آموزش و پرورش استان مشغول به خدمت بوده‌ام. در سال‌های ۹۱ تا ۹۶ به‌عنوان ریاست مرکز آموزش عالی علمی-کاربردی و معاونت جهاد دانشگاهی استان ایلام مشغول بودم که هم در سطح استان و هم در سطح کشور به‌عنوان مرکز نمونه معرفی شدیم. نهایتاً در اواخر سال ۹۶ تا سال ۹۸ معاون پژوهش، برنامه‌ریزی و نیروی انسانی اداره کل آموزش و پرورش استان ایلام در خدمت قشر فرهیخته فرهنگیان استان بودم.

از سوابق آموزشی این‌جانب می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: مدرس دانشگاه‌های استان ایلام (دانشگاه ایلام، دانشگاه آزاد واحد ایلام، دانشگاه پیام نور ایلام، مراکز علمی کاربردی ایلام) و یک‌ترم در دانشگاه گیلان، مدرس دوره‌های ضمن خدمت آموزش و پرورش... در بخش پژوهش هم می‌توان به داورى پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد ایلام، داورى مناظرات دانشجویی، طرح پژوهشی،

سطح آن‌ها را در همه جنبه‌ها بالا ببریم؛ اما می‌بینید در این مسیر به دلایل مختلف مثلاً؛ به علت فرسوده بودن ساختمان‌های دانشگاه که نیاز به تعمیرات مختلف دارند و یا کارهای جاری مختلف، از مسائل خوابگاه‌ها تا آشپزخانه، یا وسایل گرمایشی و سرمایشی و غیره که باید سریعاً رسیدگی بشود، در این‌بین حواشی احتمالی دیگری هم باید اضافه کرد که مجموع این مسائل روی کیفیت کار و برنامه‌ریزی‌ها به‌نوعی تأثیرگذار است.

**کرونا ویروس و تعطیلی دانشگاه چه تأثیرات مثبت و منفی به همراه داشته است؟**

هر رویدادی باینکه ممکن است رویداد بدی هم باشد، اما در دل خود هم فرصت دارد و هم تهدید؛ مهم این است که از این فرصت‌ها به نحو احسن استفاده شود. فرصت‌های کرونا ویروس مانند ضرورت استفاده از منابع الکترونیکی از طریق کلاس مجازی، وبینار و در واقع استفاده از فناوری روز و انتقال دانش بدون حضور جسمی دانشجو معلمان که این‌یک توفیق اجباری بود و فرصتی که کرونا ویروس ایجاد کرد، باعث شد ما به سمت تقویت زیرساخت‌های فناوری برویم، کاری که سال‌های قبل‌تر در دانشگاه‌های بزرگ در حال انجام بوده است ولی ما در این حوزه ضعف داشتیم. از جمله تهدیدات هم می‌توان گفت: وجود کرونا ویروس از مسائل جانبی بود که شرایطی را رقم زد که برای اجرای برنامه‌ها نتوانیم ارتباط مستقیم با دانشجویان داشته باشیم، غیرمنتظره بودن این داستان، یک نوع غافلگیری و مشکلات را به همراه داشت.



مقالات متعدد علمی-پژوهشی در حوزه تخصصی روابط بین‌الملل و یک کتاب هم در انتشارات معتبر ملی، آماده چاپ که برای دانشجویان مقاطع فوق‌لیسانس و دکتری نگاشته شده است، اشاره‌کنم.

**سرپرستی دانشگاه فرهنگیان را به نسبت دیگر موقعیت‌هایی که داشته‌اید، چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

دانشگاه فرهنگیان به دلیل اهمیت بسیاری که دارد مسئولیت آن سنگین است و وظیفه بسیار مهمی بر دوش ما است. به این‌علت می‌گویم وظیفه سنگین، چراکه یک سلسله ایرادات در نظام آموزش و پرورش را، دانشگاه فرهنگیان می‌تواند در تربیت نومعلمان برطرف کند. اگر شرایط مهیا شود و مسائل جانبی مانع نشود، بسیاری از برنامه‌ها در دستور کار است که می‌بایست، جهت رفع نواقص احتمالی اجرا شوند؛ ولی شرایط کرونایی باعث شد در اجرای خیلی از برنامه‌ها عقب بمانیم، هرچند که کرونا ویروس فرصت‌هایی را هم به وجود آورد، اما واقعیت این است که ما برای تربیت معلم، نیاز به حضور جسمی دانشجو معلمان داریم چراکه تربیت باید با حضور دانشجو معلمان صورت بگیرد.

**آقای دکتر، آیا در اجرای برنامه‌هایی که برای ارتقای دانشگاه دارید؛ با موانعی هم روبرو شده‌اید؟**

بله همیشه در کار موانعی وجود دارد که باید تلاش کرد و بر آن‌ها پیروز شد. کارهای اجرایی و در واقع کارهای اداری که ما پیگیر هستیم، بعضاً خیلی زمان‌بر است. به‌طور مثال: ما در اینجا برای تقویت دانشجو معلمان در همه جنبه‌ها برنامه‌ریزی می‌کنیم؛ تا با آوردن اساتید قوی بتوانیم



## امکانات و تجهیزات رفاهی و آموزشی دانشگاه را در طول مدیریتتان تا چه حد ارتقا داده‌اید و شرایط کنونی را تشریح بفرمایید.

علیرغم عدم حضور دانشجویان در ایام کرونا و ویروس، اما دانشگاه تعطیل نشد و باعث شد ما از عدم حضور فیزیکی دانشجویان معلمان استفاده کنیم و تعمیرات و تجهیزاتی در امور رفاهی و آموزشی انجام دهیم. به‌عنوان مثال در واحد خواهران، سالن آزمایشگاه به‌طور کامل تعمیر اساسی صورت گرفت و اکنون یک آزمایشگاه کاربردی و قابل‌استفاده با فضای بسیار مطلوب در اختیار دانشجو معلمان قرار دارد. در سرای خواهران سرویس‌های بهداشتی هردو طبقه به‌طور کامل تعمیر و نوسازی شده است. با توجه به قدیمی بودن بافت ساختمان، دیدیم نیاز به رنگ‌آمیزی کامل داشت که تمام سالن و اتاق‌ها رنگ‌آمیزی شده است. موضوع دیگر فرشینه کاری اتاق‌های سرای خواهران است که فرشینه‌ها قدیمی بود که خوشبختانه تأمین اعتبار شد و درواقع در ادامه رنگ‌آمیزی حتماً انجام خواهد شد. در سرای برادران هم رنگ‌آمیزی، زیباسازی نمای بیرونی و فرشینه کاری هردو سرا صورت گرفته است و فضای بسیار زیبا و بانشاط و جدیدی را ایجاد کرده‌ایم.

اقدام دیگر، تلاش برای تجمیع پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان است به این صورت که پردیس خواهران را به بانگنجا انتقال بدهیم که در این راه پیشرفت‌هایی داشته‌ایم، اما تا انجام آن، راه درازی در پیش است.

## از اتفاقات مهم و بی‌نظیر مدیریت شما چیست؟

در سال ۹۹ هیئت‌امنا ای استانی دانشگاه در بالاترین سطح ممکن در استان، با حضور همه اعضا از جمله استاندار محترم به‌عنوان رئیس هیئت‌امنا ای استانی دانشگاه فرهنگیان ایلام، معاون محترم سیاسی، امنیتی و اجتماعی استانداری، مدیرکل محترم آموزش و پرورش استان به‌عنوان نایب‌رئیس، ریاست محترم دانشگاه ایلام و سایر اعضا که به نحو مطلوبی برگزار شد. هیئت‌امنا مهم‌ترین رکن سیاست‌گذاری دانشگاه فرهنگیان در استان است. در هیئت‌امنا درخواست‌های ما با مساعدت و پشتیبانی استاندار محترم جناب آقای مهندس سلیمانی دشتکی تصویب شد از جمله: پیگیری راهکارهای استفاده از بودجه استانی برای دانشگاه در جهت رفع نیازهای ضروری دانشگاه که با این مصوبه سنگ بنای بسیار خوبی برای استفاده دانشگاه فرهنگیان از بودجه استانی گذاشته شد؛ بنابراین برای اولین بار

تمهیدی ایجاد شد که دانشگاه فرهنگیان که بودجه‌اش ملی است، بتواند از بودجه استانی در جهت رفع نیازهای ضروری استفاده نماید. در همین راستا با پیگیری‌هایی که داشتیم و با عنایت ویژه جناب آقای سلیمانی دشتکی استاندار محترم، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان درخواست اصلاحیه بر توزیع اعتبارات استانی، برای سازمان مدیریت کشور در خصوص بند استفاده متوازن از امکانات کشور، مربوط به پروژه‌های (ملی و استانی) ویژه احداث و تجهیز دانشگاه فرهنگیان را ارسال کرد که در نوع خود، کار بزرگ و بی‌سابقه‌ای بود.

مورد دیگر، آغاز ساخت و احداث ساختمان آموزشی جدید پردیس شهید مدرس دانشگاه فرهنگیان استان ایلام است. دانشگاه فرهنگیان در راستای انجام هر چه بهتر وظیفه خطیر خود یعنی تربیت و تأمین نیروی انسانی موردنیاز آموزش و پرورش، به لحاظ کیفی و کمی برنامه‌های خاصی را در دستور کار خود قرار داده است. به لحاظ عمرانی، علاوه بر برنامه درازمدت تجمیع پردیس‌های این دانشگاه که اشاره شد، دو دستور کار ویژه میان‌مدت و کوتاه‌مدت برای خود ترسیم کرده‌ایم:

اول در کوتاه‌مدت برنامه ما حفظ و نگهداشت ساختمان‌های موجود است. در این راستا، تعمیر و بهسازی بخصوص سراهای دانشجویی، تجهیز و زیباسازی ساختمان‌ها در دستور کار بوده که تاکنون حدود ۲ میلیارد و ۸۰۰ میلیون ریال بودجه تخصیص پیدا کرده که حدود یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون ریال آن هزینه شده و مابقی آن نیز در حال انجام است.

دوم احداث ساختمان‌های جدید. در این بخش سالن اجتماعات دانشگاه مزین به نام سردار شهید قاسم سلیمانی در پردیس شهید مدرس، در فاز پایانی خود قرار دارد که مبلغ ۱۲ میلیارد ریال در هفته گذشته برای تکمیل آن تخصیص گرفته شد که در چند ماه آینده این سالن اجتماعات با ظرفیت ۲۷۰ نفر، افتتاح خواهد شد.

اما شاید مهم‌ترین اتفاق برای دانشگاه فرهنگیان ایلام در سال ۱۳۹۹ کلنگ احداث ساختمان آموزشی جدید پردیس شهید مدرس (برادران) با حضور جناب آقای مهندس کرمی معاون محترم عمرانی استانداری، جناب آقای دکتر زینی وند مقدم مدیرکل محترم آموزش و پرورش استان، جناب آقای مهندس رحیمی مدیرکل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس استان و سایر مسئولان دانشگاه به زمین زده شد.

مجری این پروژه سازمان نوسازی توسعه و تجهیز مدارس است. ساخت این

پروژه در زمینی به مساحت ۷۰۰ متر و در ۳ طبقه و مجموعاً ۲۱۰۰ متر شامل کلاس آموزشی، آزمایشگاه زبان انگلیسی، سایت کامپیوتری، کارگاه هنر و سایر ملزومات یک ساختمان آموزشی با برآورد حدود ۹۰ میلیارد ریال با تخصیص اولیه حدود ۱۵ میلیارد ریال، آغاز شد و امیدواریم در زمان مقرر (یک‌ساله) در خدمت آموزش به معلمان آینده قرار گیرد. در حال حاضر این طرح برای پردیس برادران است، اما اینکه بعداً به چه شکلی تجمیع صورت بگیرد، حتماً به نحو مطلوبی مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

## با توجه به شرایط پیش‌آمده نحوه نظارت شما و مسئولین دانشگاه بر فضای مجازی چگونه بوده است؟

در بخش آموزش و استفاده از فضای مجازی در ایام کرونا علیرغم اینکه آمادگی کافی وجود نداشت، اما با تمهیدات و تلاش همکاران، دانشگاه فرهنگیان در مجموع موفق عمل کرد. هر هفته دوشنبه‌ها جلسه آموزشی داشتیم و تمام کلاس‌ها را پایش می‌کردیم و کلاس‌ها در سطح قابل قبولی برگزار شد. مهم‌تر از همه در تفاهمی که با ریاست محترم دانشگاه ایلام جناب آقای علی‌اکبری داشتیم که من در اینجا به خاطر همکاری با دانشگاه فرهنگیان از ایشان تشکر ویژه می‌کنم، آزمون‌های پایان‌ترم با استفاده از امکانات فناوری دانشگاه ایلام برگزار شد و خوشبختانه آزمون‌ها بدون هیچ‌گونه مشکلی به نحو احسن برگزار شد.

## آیا ترم آینده مجازی خواهد بود و در صورت مجازی بودن، واحدهای کارورزی به چه نحوی اجرا خواهد شد؟

با همکاری که آموزش و پرورش در سطح وزارت اعلام کرده، بنا است که دانشجو معلمان برای ترم جدید «از فضای شاد» استفاده کنند و در کلاس‌های مجازی شرکت کنند. در مورد کارورزی دانشجو معلمان، معلم و استاد راهنمای کارورزی همان تکالیفی را که در زمان حضور دانشجو معلمان در مدرسه از آن‌ها خواسته می‌شد، در کلاس‌های مجازی همین تکالیف را خواهند خواست.

## با توجه به شرایط به وجود آمده، نحوه پذیرش دانشجو معلمان جدیدالورود به چه نحوی خواهد بود؟

در مورد نحوه و چگونگی پذیرش دانشجویان در سال جدید متعاقباً از طریق دستگاه‌های مرتبط اطلاع‌رسانی خواهد شد.





باهمت و تلاش بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان مناظره انتخاباتی بین کاندیدهای یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی را به نحو شایسته‌ای برگزار کردیم که مورد تقدیر قرار گرفتیم و در گروه دانشجویی هم از دانشگاه فرهنگیان قدردانی به عمل آمد. از دیگر اقدامات سیاسی برگزاری میز خطابه آزاد دانشجویی برای اولین بار در سطح پردیس‌ها و به‌ویژه پردیس خواهران بود که با استقبال خوب دانشجو معلمان همراه گردید.

**آقای دکتر بسیار متشکرم که دعوت ما رو برای مصاحبه پذیرفتید و امیدوارم که با عنایت الهی و کمک اشخاصی چون شما ان‌شاءالله نشریه مدرسه کاغذی بتواند قدمی هرچند کوچک در راه توسعه آموزشی کشور و تحقق حقوق آموزش و پرورش بردارد. در پایان اگر سخنی با جامعه فرهنگی کشور علی‌الخصوص دانشجو معلمان و نومعلمان دارید بفرمایید.**

بله من هم از تلاش شما و حضور شما برای انجام این مصاحبه صمیمانه تشکر می‌کنم، نکته پایانی اینکه؛ کشور ما بیش از هر چیزی برای ساختن نسل جدید، نیاز به معلم خوب و مؤمن و پای‌کار دارد. نسل جدید تفاوت‌های زیادی با نسل‌های قبلی دارد و این باعث شده است که وظیفه ما معلمان خیلی مهم باشد. نسل جدید آماج امواج گوناگون، به‌خصوص امواج برنامه‌ریزی شده است؛ این امواج فرصت‌ها و تهدیدهایی ایجاد کرده است و نیاز به معلم‌هایی داریم که سواد کافی در رسانه، فناوری و اطلاعات دین و مذهب، علم و دانش و در حوزه فلسفه و سایر علوم دیگر داشته باشند تا بتوانند وظیفه خود را به‌خوبی انجام دهند؛ بنابراین از نظر من مهم‌ترین کار دانشگاه فرهنگیان تربیت این نوع معلمانی است که در هر جنبه‌ای آماده و مجهز باشند که در اینجا یک بخش ما هستیم به‌عنوان مسئولین دانشگاه و بخشی دیگر خود دانشجو معلمان هستند که باید حرکت کنند؛ چراکه مهم‌ترین کار برای کشور و مهم‌ترین خدمت تربیت نسل جدید و نسل‌های جدید است و این حاصل نخواهد شد مگر به‌وسیله معلمان خوب و در تراز انقلاب اسلامی...

در پایان موفقیت و سربلندی برای همه دانشجو معلمان، به‌خصوص دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان استان ایلام را از خداوند بزرگ خواستارم.

والسلام علیکم ورحمه‌الله و برکات

**آقای دکتر، موردی که خیلی زیاد در دانشگاه فرهنگیان با آن مواجه هستیم، این است که حس علمی و پویایی در بین اکثریت دانشجو معلمان وجود ندارد و اکثراً فقط برای گذراندن واحد و ترم به دانشگاه می‌آیند، در این رابطه چه راهبرد و برنامه‌ای دارید؟**

نکته بسیار خوب و مهمی اشاره کردید، دانشجو معلم بایستی با ذهن پویا، به پرسش و پژوهش عادت کند و علاقه‌مند شود تا بتواند همین ویژگی را به دانش‌آموز منتقل نماید. اساتید بایستی دانشجویان را پژوهش محور تربیت کنند و صرفاً آموزش محور نباشند، کار پژوهشی از دو جهت حائز اهمیت است یکی به خاطر ماهیت ارزشمند کار پژوهشی و دیگر اینکه پژوهش در هر موضوعی موجب صاحب‌نظر شدن دانشجویان در آن رشته و آن موضوع می‌شود. کارهایی را تلاش کردیم پیگیری کنیم: برگزاری همایش‌ها، اجلاس‌ها و کارهای جانبی در دانشگاه که در این حوزه برنامه‌های خوبی داشتیم مانند جشنواره، هم‌اندیشی که تصویب شد که هم دانشجویان و هم اساتید شرکت کنند و سطح علمی آن‌ها ارتقا یابد. موارد دیگر هم که در حال بررسی هستیم که با شروع ترم جدید در فضای مجازی این برنامه‌ها را دنبال خواهیم کرد.

**در حوزه فرهنگی و سیاسی چه اقداماتی در دانشگاه صورت گرفته است؟**

از جمله مهم‌ترین رسالت‌های دانشگاه فرهنگیان ارتقای سطح فرهنگی و اعتقادی دانشجو معلمان است که خوشبختانه فرصت‌های خوبی را در اختیار داشته‌ایم. یکی از مهم‌ترین فرصت‌ها به لحاظ فرهنگی، بحث اربعین را داشتیم و موکب‌های خواهران و برادران واقعاً در سطح کشور عالی بود و تقدیر هم صورت گرفت، حتی معاون فرهنگی وزیر علوم در موکب‌های دانشگاه فرهنگیان حضور یافت، همچنین حضور دانشجو معلمان در موکب‌ها موجب افزایش معنویت در آن‌ها می‌گردد. در خصوص تشکل‌های دانشجویی، بسیج دانشجویی بسیار فعال است و با توجه شرایط کنونی در فضای مجازی در حال اجرای برنامه‌های بسیار خوبی هستند. از دیگر تشکل‌ها کانون مهدویت را داریم که این کانون هم برنامه‌های بسیار خوبی دارند. در زمان برقراری سراها و حضور دانشجو معلمان، مسئولین در سراها حضور یافته و با دانشجو معلمان دیدار داشتند. دانشجویانی داریم که در اردوهای جهادی که کاری بزرگ و ارزشمند بوده است، حضوری فعال داشته‌اند. از نظر سیاسی تنها دانشگاهی در استان بودیم که



# مدارس منتسوری

و بسته کردن اشیاء، گذاشتن اشیاء در جعبه‌ها و بیرون ریختن و گذاشتن اشیاء روی زمین لذت می‌برند.

دوره حساس راه رفتن

مشهودترین دوره رشد، دوره حساس راه رفتن است. منتسوری می‌گوید: «یادگیری راه رفتن، نوعی تولد دوم است؛ زیرا کودک در این مرحله از موجودی درمانده، به موجودی فعال تبدیل می‌شود».

دوره حساس زبان‌آموزی

پنجمین دوره حساس و شاید قابل‌توجه‌ترین آن‌ها، دوره فراگیری زبان است. درحالی‌که ما زبان دوم را با تلاشی هشیارانه یاد می‌گیریم، کودک آن‌ها را به‌صورت ناهشیار فرامی‌گیرد.

مدرسه‌ی منتسوری

زمانی که کودکان حدود ۲ و نیم ساله شوند، می‌توانند وارد مدرسه منتسوری شوند. پیروان منتسوری، برای تداوم بخشیدن به روش‌های پیشرفته منتسوری، در آموزش کودکان، هرروزه مدارس جدیدی، حتی گاهی تا سطح دبیرستان دایر می‌کنند ولی سنین کودکان در این مدارس همچنان متفاوت است (مثلاً ۶ تا ۹ ساله‌ها در یک رده‌اند)، زیرا منتسوری دریافت که کودکان از چنین موضوعی لذت می‌برند.

منتسوری در ۲۶ سالگی اولین پزشک زن در تاریخ ایتالیا شد. ابتدا به نظریه رشد او نگاهی بیندازیم:

نظریه رشد

از نقاط بارز نظریه رشد منتسوری، مفهوم دوره‌های حساس است. این دوره‌ها، زمان‌های برنامه‌ریزی‌شده ژنتیکی مشخصی هستند که در خلال آن‌ها، کودک مشتاق و آماده یادگیری و تسلط یافتن در تکالیف معینی است.

دوره حساس نظم

در خلال اولین دوره حساس که اصولاً سه سال اول زندگی است، کودک نیاز شدیدی به نظم دارد. اگر کتاب یا قلمی خارج از مکان خود باشد، آن را با عزم راسخ به‌جای اولش برمی‌گرداند و حتی علاوه بر این، غالباً با دیدن چیزی خارج از نظم خودش، عصبانی می‌شود.

دوره حساس توجه به جزئیات

بین ۱ تا ۲ سالگی، کودکان توجه خود را به جزئیات کم‌اهمیت معطوف می‌کنند. مثلاً به حشرات کوچکی توجه می‌کنند که برای ما بی‌اهمیت‌اند.

دوره حساس استفاده از دست‌ها

سومین دوره حساس به استفاده از دست‌ها مربوط می‌شود. بین ۱۸ ماهگی تا ۳ سالگی، کودکان به‌طور مداوم، اشیاء را با

به نقش معلم در دو مدرسه زیر توجه کنید:

چه کسی به تو خواندن یاد داد؟

کودک مدرسه معمولی: معلم

کودک مدرسه منتسوری: هیچ‌کس؛ خودم کتاب را خواندم. می‌خواستم بدانم که می‌توانم آن را بخوانم یا نه.

اگر برایتان عجیب است که مدارس وجود دارند که دانش آموزان، خودشان خواندن را یاد می‌گیرند باید بگویم بله وجود دارند و می‌دانم که بیشتر تعجب خواهید کرد اگر بگویم این مدارس از سال ۱۹۱۳ میلادی وجود داشته‌اند. برای دیدن بخش کوچکی از آنچه در این مدارس رؤیایی در جریان است با من همراه شوید.

اکثر رشد گرایان، اندیشه‌هایی درباره تعلیم و تربیت ارائه کرده‌اند، ولی ماریا منتسوری، عملاً همه توجه خویش را به تدریس کودکان معطوف کرد. منتسوری (۱۸۷۰-۱۹۵۲) در استان (آنکونا) در ایتالیا متولد شد. پدر او، کارمند دولتی موفق بود که درباره نقش زنان در جامعه، اندیشه‌های سنتی داشت. برعکس، مادر او امیدوار بود که ماریا تا جایی که می‌تواند در زندگی پیشرفت کند. همین امید او بود که مؤثر واقع شد. گفته‌اند زمانی که منتسوری به‌شدت بیمار بود، به مادر مضطربش گفت: مادر! نگران نباش! من نمی‌میرم چون هنوز خیلی کارها دارم که باید انجام بدهم.





استقلال، انتخاب آزاد و تمرکز حواس

اگر بنا باشد در مدارس از وسایل آموزشی و کمک آموزشی برای تدریس استفاده شود؛ این وسایل چگونه و توسط چه کسی انتخاب می‌شوند؟ قطعاً توسط آموزگار و بنا بر آنچه او احساس نیاز کند. مدارس را تصور کنید که خود دانش آموزان مواد آموزشی را برای استفاده انتخاب کنند! عجیب است، نه؟ اما باید بدانید که در مدارس مونتسوری، نه تنها بچه‌ها خودشان مواد آموزشی را انتخاب می‌کنند، بلکه حتی از سوی معلم برای استفاده از آن‌ها راهنمایی هم دریافت نمی‌کنند. بچه‌ها در این مدارس، وسایل را آزادانه انتخاب می‌کنند و چون؛ وسایل انتخاب شده مطابق با نیازهای دوره‌های حساس رشد آن‌هاست؛ با تمرکز حواس، بارها و بارها روی آن کار می‌کنند تا سرانجام کار را به پایان برسانند و این‌گونه احساس می‌کنند به آرامش و شادی درونی رسیده‌اند. مونتسوری معتقد است: کودکان آزادانه وسایلی را انتخاب می‌کنند که نیازهای درونی‌شان را در آن لحظه ارضا کند، باین‌حال توصیه می‌کند گاهی معلم‌ها تکالیف جدیدی را که به نظر می‌رسد کودک آمادگی انجام دادنشان را دارد، به او عرضه کنند اما این کار باید باظرافت و مهارت بسیار انجام شود و معلم از القای این اندیشه که کودک ((باید)) این کار را انجام دهد اجتناب کند.

پاداش و تنبیه و بدرفتاری

معلم معمولی هنگامی که مشاهده می‌کند کودکان برای تکالیف، فاقد اشتیاق هستند به چه روش‌هایی متوسل می‌شود؟ پاداش و تنبیه‌های بیرونی: تحسین، نمره، تهدید، انتقاد، تنبیه بدنی و... اما این روش‌ها در مدارس مونتسوری جایی ندارند. مونتسوری همیشه در شگفت بود که کودکی که درباره تأییدهای بیرونی نگران است، چگونه تفکر مستقل را یاد خواهد گرفت یا شهامت و جرئت انتقاد از نظم و

مقررات اجتماعی را به دست خواهد آورد؟ مونتسوری با این موضوع که لازم است کودک از اشتباهات خویش آگاه شود موافق است، اما قبول ندارد که کودکان برای دانستن چنین چیزی باید به بزرگسالان روی بیاورند. به همین خاطر او در مدارسش از وسایلی استفاده می‌کرد که قابلیت کنترل خطای درونی دارند؛ مثلاً استوانه‌هایی با ابعاد مختلف که هر استوانه تنها در جای مخصوص خودش می‌تواند قرار گیرد. بدین ترتیب کودک فکر می‌کند و خودش موضوع را حل می‌کند.

اما بدرفتاری موضوع دیگری است. حتماً تا به حال تجربه کرده‌اید که بعضی اوقات دانش‌آموزی از کلاس درس اخراج می‌شود، نه تنها احساس ناراحتی نمی‌کند، بلکه از این‌که برای دقایقی مجبور نیست کلاس درس را تحمل کند خوشحال هم می‌شود! در کلاس مدارس مونتسوری، بچه‌ها اجازه بدرفتاری از مواد آموزشی یا بدرفتاری با همکلاسی‌هایشان را ندارند؛ چراکه در صورت بروز چنین رفتارهایی برای دقایقی از کلاس محروم می‌شوند. تصور کنید از کلاسی که بچه‌ها آزادانه در آن در حال بازی کردن، شعر خواندن و نقاشی کشیدن هستند محروم شوید. حتماً به سرعت متوجه می‌شوید چه چیزی را از دست داده‌اید و به این نتیجه می‌رسید که بهتر است رفتار خود را اصلاح کنید!

طبیعت

مونتسوری بر این باور بود که باوجود آنکه مدرسه حتماً باید به زمین‌بازی و فضای سبز مجهز باشد ولی بازم کودکان نیاز شدیدی به تماس با طبیعت دارند. او معتقد بود که کودک بیشتر از ما به طبیعت کشش دارد و از تماس نزدیک با آن بیشتر از ما سود می‌برد. کودک در تماس با طبیعت بدون هیچ تشویق و ترغیبی از گیاهان و حیوانات مراقبت می‌کنند. آن‌ها یاد می‌گیرند که گیاهان در زمان مناسب خود می‌رویند و برای بروز حیات باید صبر

کرد. در تماس با طبیعت کودکان به لحاظ روحی رشد می‌کنند.

به مدارسی که در آن‌ها درس‌خوانده‌اید یا در آن‌ها تدریس می‌کنید نگاهی بیندازید. نه همان بهتر است که مدارس مونتسوری دور از چشم دانش‌آموزانمان و در رؤیا باقی بمانند. ما روش‌های خاص خودمان را داریم! به قول ماریا مونتسوری: ((ما دانش‌آموزانمان را هنگامی که هیچ علاقه‌ای به شنیدن ندارند، به گوش کردن وادار می‌کنیم؛ زمانی که چیزی برای گفتن ندارند، به نوشتن وادار می‌کنیم؛ و هنگامی که هیچ کنجکاوی در آن‌ها وجود ندارد؛ به مشاهده کردن وادار می‌کنیم.))

منابع

نظریه‌های رشد کرین

روانشناسی ژنتیک منصور

روانشناسی رشد لورا برک





# این زنگ، دلتنگی

می‌کردند، می‌خندیدند و گاهی هم دعوا می‌کردند؛ اما قهرهایشان بیشتر از چند ساعت طول نمی‌کشید. معلم‌ها دلتنگ چهره‌های معصوم شاگردانشان و دانش آموزان دلتنگ هم‌صحبتی با دوستانشان هستند و مدرسه برای تمام آنان که در آنجا درس می‌دادند و می‌آموختند



بیش‌تر ما، وقتی نام «اول مهر» و «کلاس اولی‌ها» را می‌شنویم، یاد روزی برایمان زنده می‌شود که سرخوش از بزرگ شدن و به مدرسه رفتن (همان آرزوی کودکی‌مان) و بعضی‌ها پیمان هم با چشمانی اشک‌آلود، از غم دور شدن از خانواده برای چند ساعت، شال و کلاه کردیم و به مدرسه رفتیم. «مدرسه»

وزندگی می‌کردند دلتنگ است.

همان‌جایی که شنیده بودیم با خانه فرق می‌کند، آدم بزرگ‌ترهایش سخت‌گیرترند، باید درس بخوانیم و فرد موفق شویم.

شروع مدرسه برای کلاس اولی‌ها متفاوت‌تر از دیگران است، کودکانی که فضای مدرسه و آموزش رسمی را تجربه نکرده‌اند و باید در محیطی که تاکنون آن را برای بازی و سرگرمی شناخته‌اند، خواندن و نوشتن بیاموزند. دانش‌آموزانی که امسال به کلاس دوم می‌روند، تازه به محیط مدرسه عادت کرده بودند که «کرونا» از مدرسه جدایشان کرد.

ما با قلبی آکنده از شادی، ترس و امید، ۱۲ سال صبح‌ها با غرغر از خواب بیدار شدیم، گاهی خودمان را به مریضی زدیم و گاهی از ترس نمره بد امتحان یا تنبیه معلم برای تکلیفی که یادمان رفته بود بنویسیم ساعت‌ها به خود لرزیدیم؛ اما هرگز نفهمیدیم چرا می‌گویند: «مدرسه خانه دوم ماست» درحالی‌که رنگ و روی دیوارهایش، ساعت‌ها روی نیمکت‌های خشک نشست‌هایش، زنگ‌های ورزش و هنری که جایشان را به کلاس ریاضی می‌دادند (چون ریاضی مهم‌تر است و باید آن را خوب یاد بگیریم) را دوست نداشتیم.

شهریورها بوی خاصی داشتند، احساس غم تمام شدن اوقات فراغت و شادی دوباره دیدن دوستان، هیجان خرید لوازم‌التحریر جدید که هر سال باید نو آن را می‌خریدیم و مادر می‌گفت: «مگر نمی‌توانی از جامدادی پارسالت استفاده کنی؟ این اسراف است دخترم!»؛ اما شهریور امسال، آغاز مدرسه است، بدون شادی خرید لوازم‌التحریر. امسال دخترها خودشان را در روپوش نو مدرسه‌شان در آینه برانداز نمی‌کنند، چرخی نمی‌زنند و نمی‌گویند: «خوشگل شدم مامان؟»

هیچ‌کس فکرش را نمی‌کرد در روزگاری که آدم‌ها افسار زمین و طبیعت را در دست گرفته‌اند و روزبه‌روز پیشرفت می‌کنند، ویروسی زندگی‌مان را دگرگون کند، خانه‌نشینمان کند، نیمکت‌های مدرسه خاک بخورند، ۱ مهر جایش را به ۱۵ شهریور و زنگ مدرسه جایش را به صدای پیام «شبکه شاد» بدهد و دل‌مان برای تکتک لحظه‌های در مدرسه بودن با تمام سختی‌هایش تنگ شود.

شرایط متفاوت و سخت است برای همه دانش‌آموزان، معلمان و پدر و مادرها؛ اما با برنامه‌ریزی و استفاده بهینه از آموزش مجازی امید است این بیماری را پشت سر بگذاریم و دوباره فریاد شادی دانش‌آموزان در کلاس‌های درس بپیچد.

امسال مدرسه‌ها، متفاوت‌تر از همیشه کار خود را آغاز می‌کنند. دیگر بوی ناب نارنگی که دور از چشم معلم زیر نیمکت پوستش را می‌کنندیم در کلاس نمی‌پیچد. کسی به افتادن پنکه کلاس، روی سرش فکر نمی‌کند و از سرویس مدرسه جا نخواهد ماند. زنگ‌های تفریح حیات مدرسه دلتنگ بچه‌هایی است که شاداب و خندان می‌دویدند، بازی



# خان آکادمی، کلاسی رایگان برای همگان

گرفته‌اند یا نیاز به کمک بیشتر دارند و با قرار دادن دانش‌آموزی که درس را فراگرفته است در کنار دانش‌آموزی دیگری که نیاز به کمک دارد، موجب بهبود عملکرد تحصیلی آن‌ها می‌شود. فیلم‌های آموزشی آکادمی خان می‌توانند برای افراد بزرگسال نیز مورداستفاده قرار بگیرند و هرکسی برحسب علاقه می‌تواند یادگیری یک درس را از پایه آغاز کند. آموزش‌های این سایت ترکیبی از ویدیو، متن و تمرین هستند. همهٔ دروس، زیرنویس انگلیسی و قابلیت دانلود دارند. بسیاری از فیلم‌ها با زیرنویس فارسی و همین‌طور به زبان فارسی تهیه شده که در سایت **Khan Academy farsi** در دسترس است.

در سایت آموزشی آکادمی خان، بسیاری از شاخه‌های علوم از جمله ریاضیات، پزشکی، اقتصاد، هنر، علوم رایانه و ... آموزش داده می‌شود. آکادمی خان به تولید دوره‌هایی برای آشنایی با مشاغل و یادگیری مهارت‌های شغلی نیز پرداخته است که می‌تواند برای کارجویان و دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها مفید واقع شود و همچنین از آموزش برای کودکان نیز غافل نشده و برنامه‌ای به نام **(Khan Academy Kid)** را طراحی کرده است که یک برنامه جذاب و سرگرم‌کننده است که با توجه سن و علاقه کودکان در زمینه‌های ریاضی، الفبا، خواندن، نوشتن، مهارت حل مسئله و رشد حرکتی و یادگیری اجتماعی و عاطفی و خلاقیت و ... آموزش‌هایی را به آن‌ها ارائه می‌دهد.

این برنامه برای گروه سنی ۲ تا ۷ سال مناسب است. با کلیک کردن روی دکمه سبز، مسیر یادگیری (با توجه به سن آن‌ها) به صورت خودکار آغاز می‌شود که شامل فیلم‌های آموزشی و فعالیت‌های تعاملی و تشویق‌کننده است. در قسمت بالای صفحه، کتابخانه‌ای وجود دارد که شامل تعداد بسیار زیادی کتاب و فیلم و فعالیت و مهارت‌های عملی و مفاهیم جدید چون اعداد، کلمات، شمارش، تفکر و احساسات عاطفی و ... را در برمی‌گیرد. در قسمت دیگر پنج حیوان، با شخصیت جذاب وجود دارد و هر حیوان دارای فعالیتی است که کودکان می‌توانند از آن لذت ببرند به این صورت که کودکان با انتخاب کردن هرکدام، اتاق آن‌ها را می‌بینند و با اسباب‌بازی که در داخل اتاق وجود دارد، بازی می‌کنند و درعین حال چیزهایی را یاد می‌گیرند.

در پایین صفحه، گزینه‌ای به نام **For Parents** (برای والدین) وجود دارد که والدین از طریق آن می‌توانند بر فعالیت‌های کودکانشان نظارت و حتی دسترسی به بخش خاصی از برنامه را محدود کنند. در کنار ویدیوهای آموزشی، نرم‌افزاری برای طراحی آزمون‌ها وجود دارد که برای جذاب کردن آن از بازی و سرگرمی در حل مسئله و ... استفاده می‌شود و جایزه‌های مجازی برای پاسخ درست به دانش‌آموز می‌دهد. ثبت‌نام در آکادمی خان به‌سادگی با حساب گوگل انجام می‌شود. در زمان ورود به سایت آکادمی خان، می‌توانید انتخاب کنید که یادگیرنده، معلم و یا یکی از والدین دانش‌آموز هستید تا امکانات بخصوصی را در اختیار شما قرار دهد. ایده‌های خان آکادمی، توسط تعدادی از ایرانیان مقیم آمریکا به زبان فارسی و متناسب با طرح درس نظام آموزشی ایران، در سراچه‌های مکتب‌خانه و کلاس درس به اشتراک گذاشته می‌شود.

منابع:

۱. ابیگل آدامز **Abigail Adams**
۲. **aminaramesh.ir**، مهشید پرچی

همواره یک نگرانی مشترک، در میان والدین در سراسر جهان وجود دارد و آن، مسئله تحصیل فرزندانشان است. کیفیت سیستم آموزشی در تمام جهان یکسان نیست و جهان شاهد تغییرات لحظه‌ای، برای ادامهٔ فرآیند آموزش است. وجود اینترنت، تلفن همراه هوشمند، کامپیوتر و ... انقلابی را در مفهوم آموزش و کیفیت آن به وجود آورده است و حضور جسمی صرف در کلاس‌های درس برای فراگیران، تنها راه انتخاب برای یادگیری نیست. در دهه‌های گذشته، شاید به ذهن بشر خطور نمی‌کرد که زمانی بدون ترک دیار خود پشت نمایشگر رایانه خود قرار بگیرد و روند آموزش را در مدرسه و دانشگاه شهری دیگر دنبال کند و با دانش‌آموزان یا دانشجویان در سراسر جهان در ارتباط باشد. در واقع آموزش برخط فرصتی برای یادگیری و خودآموزی در طول کل زندگی فراهم آورده است. با توجه به اینکه «یادگیری با شانس به دست نمی‌آید بلکه با شور و شوق و سخت‌کوشی دنبال می‌شود» دیگر هیچ عذر و بهانه‌ای برای یادگیری نیست چراکه محدودیت‌های شرکت در کلاس حضوری، وجود نخواهد داشت و هر فرد خواهان یادگیری در هر مکان و هر ساعتی از شبانه‌روز به آموزش دسترسی دارد. در آموزش برخط، عناوین درسی و موضوعاتی همچون مهارت‌های زندگی، مدیریت امور مالی شخصی، فناوری، ریاضی، زبان و ... از پایین‌ترین تا بالاترین سطح و از در دسترس‌ترین تا نایب‌ترین موضوعات را برای ستین مختلف در برمی‌گیرد.

در این بخش به معرفی سایت برخط خان آکادمی، یکی از ده سایت برتر آموزش به‌صورت برخط در جهان، می‌پردازیم. هدف آکادمی خان؛ فراهم کردن آموزشی برخط و رایگان برای هرکسی و در هرگجا است. خان آکادمی مدرسه برخطی است که اگرچه فیلم‌های آن خوش آب و رنگ نیست، اما محبوبیت چشم‌گیری پیدا کرده است. این موسسه، نتیجه اندیشه‌های فردی به نام سلمان خان است که قبلاً مدیر بانک بوده است، اما ناگهان تصمیم می‌گیرد بلندپروازی خود را به واقعیت تبدیل و وقت خود را صرف تحصیل مردم جهان کند؛ که کار خود را با ساختن یک ویدیوی راهنمای ساده آغاز کرد. اصلی‌ترین مخاطبان آکادمی خان، دانش‌آموزان و معلمان هستند؛ فیلم‌های این سایت، مقاطع ابتدایی تا سال دوم دانشگاه را پوشش می‌دهند و در کلاس درس نیز مورداستفاده قرار می‌گیرند. اگر به خاطر بیاورید در کلاس‌های درسی که تجربه کرده‌ایم، معلم روبروی ما قرار می‌گرفت و ما به مباحثی که آموزش می‌داد توجه می‌کردیم یا به‌ناچار وانمود می‌کردیم که حواسمان هست و درس را فهمیده‌ایم اما در خان آکادمی دانش‌آموزان در خانه فیلم‌ها را مشاهده می‌کنند و در کلاس درس با کمک معلم و هم‌کلاسی‌هایشان تکالیف را انجام می‌دهند. درواقع ممکن است معلمان با خود بیندیشند؛ با آمدن خان آکادمی جایگاه شغلی آن‌ها درخطر است اما خان آکادمی بیان می‌کند که هدفش قدرت دادن به معلمان است، نه حذف آنان، همچنین موجب می‌شود کلاس برخط و سنتی به‌صورت تلفیقی و هم‌زمان تشکیل شود، معلم نقش راهنما و جایگاه مشاور برای دانش‌آموزان داشته باشد و به دانش‌آموزان کمک کند که خودشان بفهمند در چه مسیری باید قدم بگذارند.

در سایت آکادمی خان معلمان و والدین می‌توانند بر روند مطالعاتی و آموزشی دانش‌آموزان نظارت کنند. معلم می‌تواند به کمک داده‌های یادگیری که خان آکادمی در اختیارش می‌گذارد، از پیشرفت یادگیری دانش‌آموزان آگاه شود، از اینکه چه کسانی یاد



# مريدانِ آفلاينِ آنلاينِ نما

صورتک‌های گلوبلبل می‌گذارند و کلاس را به گلستان سعدی همانند می‌کردند.

در این میان مريدان بسیار پایبند گونه عمل می‌کردند و تنها تمرکز و دقت خود را معطوف به کلاس غیابی کرده و به هیچ‌عنوان به بازدید اینستاگرام، توییت و جمیع برنامه‌های تلفن همراه هوشمند خویش نمی‌رفتند و تا پایان کلاس حضوری فعال داشتند بدین‌صورت که؛ هم‌زمان با برگزاری کلاس، محبان علم در جهت بسط دانش خویش و تحلیل دیگر مسائل علمی به برقراری تماس‌های چندساعته در پیام‌رسان‌ها باهم پیشگان خویش می‌پرداختند و هرگاه بانگ استاد در گروه برای طرح یک پرسش به صدا درمی‌آمد، گویا عذاب الهی بر آنان نازل گردیده است.

هنگامی‌که مرشد با پرسشی مريدی را غافلگیر می‌کرد، مريدان دیگر به کمک مريد بخت‌برگشته می‌شتافتند. برای یافتن پاسخ، کاتبان دست‌به‌قلم می‌شدند و نسخه‌برداران با رونوشت گرفتن از پیغام گذشتگان در گروه به یاری وی می‌شتافتند. درباره حضور فعال مريدان همین بس که مريد غرق در دریای علم، به اندک تغییری در علائم نگارشی و ادغام پیام‌های جمعی از مريدان می‌پرداخت و متن را از حالی به حالی دگرگون می‌ساخت و بعضاً دانشی جدید را تولید می‌نمود و گاهی این کار چنان سخت بود که تنها به کم یا زیاد کردن نام کاتب بسنده می‌کرد. با نزدیک شدن به پایان کلاس، مريدان یکی پس از دیگری گام در تعریف و تمجید از مرشد خویش می‌گذارند و وکیل مباشر شیخ، دروازه‌های اتاق‌های درسی را بر روی پرسش‌کنندگان علمی می‌بست تا با سؤالات علمی خویش، خاطر مرشد و دیگر مريدان را مکدر ننمایند.

با پایان‌ترم، طالبان علم با دیدگانی کم سو و درنهایت خرسندی از علوم آموخته‌شده، سر به بیابان نهادند. -رجوع شود به شماره قبل نشریه مدرسه کاغذی، در قسمت علمی همین صفحه عنوان علمونا ویروس مطرح بود

روزی، روزگاری آورده اند که در فرهنگیان زمین، مريدانی لحظات خویش را در کنار یکدیگر با خوشی و خرمی؛ در سایه برخورداری از وفور نعمت‌ها و امکانات سپری می‌کردند که ناگهان با ویروسی بی‌نام‌ونشان؛ به نام علمونا ویروس مواجه گشتند. پس از پشت سر نهادن فصلی از رشادت‌های حماسه‌آفرین در عرصه علمی، آن‌ها ماندند و اندک جانی که آن‌هم به لب رسید. درنهایت درماندگی سر تسلیم فرود آوردند و این ویروس نوآمده را در اهل‌بیت خویش پذیرا شدند.

روزی به هواخواهان علم در دارالمعلمین عالی خبردارند که کلاس‌ها غیابی شده‌اند و پیروان علم می‌بایست تا مدت‌زمانی نامعلوم از کلاس‌های حضوری به کلاس‌های غیرحضوری هجرت کنند. مريدان تا این خبر را بشنیدند به احوالات متنوعی دچار شدند و لباس نبرد بر تن کردند و وارد میدان شدند. هنگامی‌که مرشد ندا برمی‌آورد که آیا در میان شما کسی هست که درس‌خوان باشد؟ مريدی فدایی از میان مريدان برمی‌خاست و با صدایی لرزان بانگ سر می‌داد: یا شیخ! کلاس حضوری بهتر است یا غیابی؟ مرشد سخت برمی‌آشفست و با بیرون کشیدن سلاح خویش از دفتر نمره آن مريد را از عرصه علم و دانش ساقط می‌نمود. در آن هنگام مريدان دیگر به طرفداری از وی یک‌صدا بانگ سر می‌دادند که یا شیخ ما در کلاس حضوری حکمت درس تو را نمی‌آموختیم تا چه رسد به غیابی!

در اتاق‌های درس غیابی مريدان آگاه شدند که شرط شیخ بودن این است که پیام‌های ارسالی آن‌ها را دیرتر دریافت کند و گاهی بدون پاسخ به حال خود رها کند و مريد پاسخ آن سؤال را با خود به گور ببرد. پیروان علم از آنجاکه در عرصه عمل، عاملانی قَدَر بودند، با پیشی گرفتن از آیه «والسابقون السابقون»، بسته به تعداد آن‌ها در یک چشم بر هم زدن، گروه کلاسی خویش را با ارسال ۲۵ الی ۳۵ عدد سلام مزین می‌کردند. پس از سلام و درود فراوان در هر اتاق درس غیابی، پای در مرتبه روانه کردن سیلی از



# تدبیری فراسوی اندیشه انسان

3. مبدا سلیمان و لشگریانش پیامتان کنند: مشخص کردن عامل خطر=ترشح سومین ماده شیمیایی (undecanone) و خودآگاه نباشید: مورچه خطردهنده توسط این ماده دستور دفاع می‌دهد و نوع دفاع را مشخص می‌کند=ترشح چهارمین ماده شیمیایی (butyloctenal) لازم به توضیح است که چون سلیمان و لشگریانش دشمن واقعی مورچگان نبودند پس دستور صادرشده برای مقابله، عدم پرخاشگری بود. نکته دیگری که در این آیه جلب توجه می‌کند عبارت "لایحطمنکم" که به معنای خرد شدن است

دانشمندان علم جانورشناسی بعدها به جنس پوسته خارجی بدن بندپایان که شامل دو ماده کیتین و بلوره است، پی بردند. بنابراین خاصیت شکنندگی بدن مورچه‌ها که در آیه ۱۸ سوره نمل به زیبایی به آن اشاره شده است تصادفی نبوده و در نوع خود معجزه‌ای است که بیش از پیش ما را به تعظیم در برابر خالق بی‌همتا وامی‌دارد.

در رابطه با فواید مورچه‌ها همین بس که این بزرگ‌ترین اقلیم شکن‌های زیستی نقش مهمی را در خنک کردن آب‌وهوای زمین بر عهده دارند. نتایج تحقیقات محققان دانشگاه «آر هوس» در دانمارک نیز حاکی از آن است که مورچه‌ها از خود آنتی‌بیوتیک‌هایی ترشح می‌کنند که می‌توانند کاربردهای تجاری گسترده‌ای پیدا کنند و برای مقابله با عوامل بیماری‌زای مختلف به کار روند. استفاده از مورچه‌ها به جای آفت‌کش‌ها سبب افزایش ۴۹ درصدی میزان محصولات تولیدی می‌شود.

نکته جالب‌تر اینکه هر سیاره‌ای که در آن هر موجود زنده‌ای وجود داشته باشد به جز مورچه، محکوم به فناست! ممکن است بپرسید چطور؟! در صورتی که اکسیژن به خاک نرسد خاک دچار یک نوع حالت خفگی می‌شود. مورچه‌ها با حفر زمین سبب تکان خوردن ذرات خاک و رسیدن هوا به درون آن می‌شوند. در نتیجه از فرسایش خاک جلوگیری می‌کنند. حالا فرض کنید همین یک عامل ساده در نظام آفرینش نبود! در آن صورت به دلیل خفگی و فرسایش خاک، بیشتر موجودات از گرسنگی تلف می‌شدند.

همه این‌ها به کنار، درس‌هایی که می‌توان از زندگی و اصول مورچه‌ها گرفت، حیرت‌آور است. موجوداتی که اجتماعاتشان به مثابه کشوری کوچک با یک ملکه است و کلاس درسی تمام‌عیار برای ما انسان‌هاست. نکته‌ای که در مورد همه انواع کلونی مورچه مشترک است، این است که آن‌ها هیچ نوع سیستم کنترل مرکزی ندارند بدین معنا که هیچ مورچه‌ای به دیگری نمی‌گوید چه کاری انجام دهد. مورچه ملکه صرفاً تخم‌گذاری می‌کند و هیچ‌گونه سیستم مدیریتی و نظارتی در کار نیست. مدیریت مورچه‌های اصولی، الگویی ناب برای ماست که یاد بگیریم به صورت خودجوش وظایفمان را به درستی انجام دهیم.

روحیه ایثار و فداکاری، قرض دهی بی‌منت و بدون بازپس‌گیری مورچه‌ها از دیگر نکاتی است که هر انسان صاحب‌خردی را به فکر فرومی‌برد. آینده‌نگری مورچه در ذخیره دانه‌ها برای فصل سرما و البته زیرکی و هوشیاری‌اش (که پروین به نیکویی در بیت زیر به آن اشاره کرده است: با همه هیچی، همه تدبیر و کار/با همه خردی، قدمش استوار) که در درک هندسی و نوع لانه‌سازی آن‌ها و همچنین با نصف کردن و گاهی چهار قسمت کردن دانه‌ها به منظور جلوگیری از سبز شدن آن‌ها دیده می‌شود، از دیگر درس‌هایی است که می‌توان از این حشره زیرک و عاقبت‌اندیش گرفت.

موجودی که " در فصل گرما برای زمستانش تلاش می‌کند و به هنگام درون رفتن، بیرون آمدن را فراموش نمی‌کند. (نهج البلاغه، خطبه ۲۸۵)

و آشکار شدن همه این پیچیدگی‌ها و باریک‌بینی این رمز و رموز، هشدار بر انسان غافل و همچنین پلی برای رسیدن به معرفت خداوند حکیم است که باید هر لحظه شاکرش باشیم.

منابع:

مقاله شگفتی‌های آفرینش مورچه از منظر قرآن، نهج البلاغه و علم (سید علی‌اکبر ربیع نتایج،...)

همشهری = ایسنا = طوبی = بیتوته

از همان دوران کودکی مورچه‌ها، این نازک بالان اجتماعی، سوالات بی‌شماری را در ذهنم ایجاد کرده‌اند.

بار اولی که از دیدنشان به وجد آمدم و صرفاً به دلیل کنجکاوی و سماجت کودکانه سعی در منحرف کردن راهشان داشتم (که نهایتاً با دیدن آن‌همه تلاش، بی‌خیال می‌شدم) تا زمانی که دیدم با حمل باری چند برابر وزن خودشان از دیوار راست‌بالا می‌روند و همچنین خواندن نمایش بلبل و مور فارسی دوم که یادش به خیر تا هم‌اکنون، این حشرات کوچک بخشی از سوالات ذهنم را از آن خود کرده‌اند.

هر چه بیشتر با مطالعه مقالات و مطالب و دیدن فیلم‌ها، به پرده‌برداری از رمز و رموز این موجودات پرداختم؛ بیشتر به حکمت پروردگار یکتا پی بردم.

موجوداتی که سوره‌ای به نام نمل در قرآن به نام آن‌ها است و حتی در نهج البلاغه، حضرت امیر در خطبه‌ای (خطبه ۱۸۵) به بیان شگفتی‌های بی‌شمارشان پرداخته‌اند.

در ادب فارسی نیز مورچه، موجودی سخت‌کوش و پرتلاش معرفی شده و نماد قناعت و تلاش بی‌وقفه به شمار می‌آید. از بزرگانی که در اشعار خود به مور و خصایصش اشاره کرده‌اند می‌توان به سعدی و فردوسی و پروین اعتصامی اشاره کرد که بیت

(میازار موری که دانه‌کش است/ که جان دارد و جان شیرین خوش است) از آشناترین و ملموس‌ترین ابیات در ذهن هر فارسی‌زبانی است.

مورچه‌ها که قدمتی بیش از دایناسورها دارند (طبق تحقیقات دانشگاه هاروارد و فلوریدا) با تنوعی به بزرگی ۱۲ هزار گونه و با گستردگی فراوان، تقریباً در همه جای کره زمین یافت می‌شوند.

مورچه‌ها با تحمل وزنی بیش از ۵۰ الی ۱۰۰ برابر وزن خودشان، حیرت همگان را برانگیخته‌اند. دانشگاه ایالتی آریزونا علت این توانایی خارق‌العاده را نسبت زیاد عضلات نسبت به جثه آن‌ها اعلام کرده است.

نکته جالب‌تر اینکه هنگام حمل بار، کاملاً تحمل وزن بر عهده مفاصل گردن است.

مورچه‌ها ریه ندارند، گوش هم ندارند و شنوایی از طریق پاهایشان برایشان مقدور می‌شود و حتی منشأ حس بویایی قویشان، شاخک‌های آن‌ها به‌ویژه شاخک‌های عقبی‌شان است نه بینی!

آیه‌ای که در آن به‌طور ویژه از مورچگان سخن به میان آمده است، آیه ۱۸ سوره نمل است:

« حَتَّىٰ إِذَا أَتَوْا عَلَىٰ وَادِ النَّمْلِ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطَمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ » (النمل، ۱۸)

آیه‌ای که امید مجد در ترجمه منظوم خود، به زیبایی تمام آن را چنین به نظم آورده است:

برفتند و ناگاه دیدند چه؟/یکی سرزمینی پر از مورچه

چو موری، سلیمان بدید و سپاه/بر آن فرّ و شوکت، فتادش نگاه

به موران بگفتا به خانه روید/مبادا که پامال انسان شوید

این آیه داستان حضرت سلیمان و سپاهیان‌شان است که در حال سفر کردن، به وادی مورچگان می‌رسند و با شنیدن فریاد یکی از مورچه‌ها که می‌گفت:

"ای مورچه‌ها، به لانه‌هایتان وارد شوید مبادا سلیمان و لشگریانش پیامتان کنند و خودآگاه نباشید"

دستور توقف و عوض کردن مسیر را داده‌اند.

اخیراً این آیه توجه بسیاری از دانشمندان کشورهای مختلف جهان را به خود جلب کرده است.

خانم Omrany Wade در این آیه مبارکه به علم جدیدی به نام دست‌یافته‌اند. ایشان جملاتی که مورچه بر زبان آورده را با علم روز مطابقت داده‌اند.

در زیر به صورت مختصر ارتباط بین آیه مذکور و حقایق علمی را بیان خواهیم کرد:

۱. ای مورچه‌ها: آژیر خطر برای مورچه‌ها=اولین ماده شیمیایی که هنگام خطر ترشح می‌کنند(hexanal)

۲. لانه‌هایتان وارد شوید: مشخص کردن مسیر و هدایت مورچه‌ها=ترشح دومین ماده شیمیایی(hexanol)



“



"خواندن کتاب خوب را از خودتان دریغ نکنید."  
کتاب توتوچان، دخترکی آن سوی پنجره واقعاتی است که رخ داده‌اند و زاده ذهن نویسنده نیست. خاطرات واقعی از زندگی تتسوکو کورویاناگی، دانش‌آموزی کنجاکو و سرزنده که در اولین سال ورود به مدرسه، به دلیل اینکه مدام از صندلی خود بلند می‌شود و از پنجره کلاس با پرندگان حرف می‌زند، معلم خود را عصبانی می‌کند و از مدرسه اخراج می‌شود. چه چیزی باعث شد توتوچانی که از مدرسه اخراج شده است بعدها در مقام سفیر افتخاری یونیسف (صندوق کودکان ملل متحد) قرار بگیرد؟ توتوچان می‌گوید آیا من آن قدر شرور بوده‌ام که مستوجب اخراج باشم؟ در این کتاب، توتوچان می‌نویسد از خاطرات دوران دبستان در مدرسه‌های جدید و متفاوت، مدرسه‌ای که شاید هریک از دانش‌آموزان ما آن را رؤیایی بدانند که هرگز به وقوع نخواهد پیوست، مدرسه‌ای که کلاس‌های آن واکن‌های قطاری در میان گل‌ها و گیاهان بودند، مدرسه‌ای با ساعات درسی کم، ورزش زیاد، رفتن به اردو، برپا کردن آشپزخانه صحرایی، پیاده‌روی و درس زندگی. مدرسه توموئه‌ای که زیر آتش سر به آسمان کشیده بود و در آن صدای قهقهه‌های کودکانی به گوش می‌رسید که با خیالی آسوده، در رؤیاهای خود غرق شده بودند. مدرسه‌ای که دانش‌آموزانش دلشان نمی‌خواست پس از پایان درس به خانه بروند. می‌نویسد از مدیر مدرسه آقای سوزاکو کوبایاشی، کوچک ترین پسر دهقان خانواده نسبتاً فقیری که اگر با او آشنا نمی‌شد احتمالاً برچسب «دختر بد» می‌خورد و عقده‌ای و سردرگم می‌شد و شاید هیچ‌وقت به‌عنوان بهترین سفیر افتخاری، بازیگر، مجری و نویسنده ژاپنی انتخاب نمی‌شد.  
توتوچان دانش‌آموز وظیفه‌شناس در این کتاب، شیوه‌های آموزشی آقای کوبایاشی را توصیف می‌کند؛ می‌گوید آقای مدیر اعتقاد داشت که همه کودکان ذاتاً با طبیعت و سرشت خوبی به دنیا می‌آیند؛ ولی محیط و رفتار غلط بزرگسالان به آنان آسیب می‌رساند. شاید با خواندن این کتاب تعجب کنید که چگونه ممکن است در ژاپن دوران جنگ، مدرسه‌ای غیر سنتی وجود داشته باشد؛ که مطالعات در آن به‌صورت آزاد باشد. مدرسه‌ای که در جریان بمباران‌های آمریکا در سال ۱۹۴۵ در توکیو طعمه حریق شد و از بین رفت اما درس‌های بزرگی از خاکسترهای آن به یادگار ماند، آیا در نقطه‌ای دیگر در این جهان پرمزوراز و پهناور می‌توان با ساختن مدرسه توموئه با مدیریت کوبایاشی ها، زندگی توتوچان‌ها را تغییر داد؟

# اگر توتوچان باشی، اخراجی!



نویسنده

فاطمه رحمتی

”



بریده‌ای از کتاب:  
به دانش‌آموزان مدرسه توموئه، هرگز گفته نشده بود که باید به‌صاف حرکت کنند، آهسته قدم بردارند، در قطار ساکت باشند و وقت غذا خوردن چیزی روی زمین نریزند. در زندگی روزمره آن‌ها در این مدرسه، با روش‌هایی به آن‌ها چنین القا شده بود که نباید افراد کوچک‌تر یا ضعیف‌تر از خود را هل دهند؛ رفتار خارج از قانون از نظر اخلاقی شرم‌آور است؛ هر وقت آشغالی روی زمین می‌بینند باید آن را از زمین بردارند؛ و هرگز نباید کاری کنند که باعث رنجش و زحمت دیگران شود. عجیب‌تر از همه این بود که توتوچان، با وجود آنکه در مدرسه سابقش، وسط درس بلند می‌شد و از پنجره با نوازندگان خیابانی حرف می‌زد و کلاس را به هم می‌ریخت؛ از همان روز اول حضور در مدرسه توموئه، پشت میز تحریرش می‌نشست و به انجام تکالیفش می‌پرداخت. اگر کسانی که او را در مدرسه سابقش دیده بودند، اکنون با او که به آرامی پشت میز نشسته بود روبه‌رو می‌شدند، حتماً می‌گفتند:

«این توتوچان دیگری است!»

مدیر مدرسه می‌گفت داشتن چشم و ندیدن زیبایی، داشتن گوش و نشنیدن موسیقی، داشتن شعور اما تشخیص ندادن حقیقت و داشتن قلبی که هرگز برانگیخته نمی‌شود و در نتیجه هرگز آتشی به پا نمی‌کند برای انسان امری وحشتناک است.

ت. ت. در انتخاب دو چیز دقت کنید: اول کتاب خوب و دوم دوست خوبی که کتاب به شما هدیه دهد.

منبع: کورویاناگی، تتسوکو؛ توتوچان، دخترکی آن سوی پنجره (۱۹۳۳). ترجمه سیمین محسنی (۱۳۹۷)، چاپ هفتم، تهران، نی.





# تریزومی ۲۱

می‌شوند با این حال آیا در دوران کرونا، شبکه‌های تلویزیونی، گامی برای یادگیری آهسته گامان داون برداشتند؟ آیا تفاوت‌های فردی را مدنظر قرار دادند؟

بچه‌های نشانگان داون، از رفتار نگاه‌های ترحم‌آمیز مردم در عذاب هستند، به عقیده من این نگاه‌های ترحم‌انگیز مردم به خاطر عدم شناخت درست و آگاهی کامل از ویژگی‌ها و خصوصیات این فرشته‌ها است. آن‌ها با خود می‌اندیشند که این کودکان به علت اختلال و ظاهر متفاوتی که دارند، توانایی انجام کار را ندارند، در صورتی که آن‌ها باراده قوی و تلاش فراوان می‌توانند بهتر از انسان‌های عادی باشند و در کنار سایر افراد جامعه، آینده درخشانی را رقم بزنند، در جامعه ما، حقوق اجتماعی این کودکان به ندرت رعایت شده است و علاوه بر مشکلات ذهنی از بیماری‌های قلبی، ریوی، آسم، بیماری‌های پوستی و عفونی رنج می‌برند اما با این اوصاف در گروه بیماران خاص قرار ندارند.

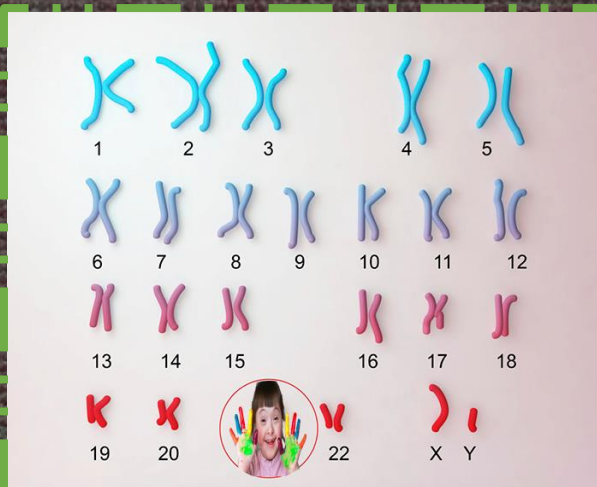
مأده از حس و حال و تجربه‌اش در برخورد با فرشتگان داون نوشت و من نوشتم از کتاب نشانگان داونی که خواندم و فیلم بچه‌های ابدی پوران رخشنده که دیدم و اطلاعاتی که کسب کردم از کافه دانتیسم تهران، خاص‌ترین و استثنایی‌ترین کافه با مدیریت بچه‌های نشانگان داون و اوتیسم که به ما، به جامعه بگویند: معلولیت، تنوع انسانی است و غلامعلی افروز چه زیبا تشریح و توصیف می‌کند الگوی گل را در وصف فرشتگانی در پیکر انسان.

الگوی گل:

«خداوند افراد مبتلای به نشانگان داون را در قالب انسان‌های پاک و به‌دوراز ردایل اخلاقی و نفس شیطانی، بغض، حسد و سایر صفت‌های زشت مادی آفریده است و این افراد مخلوقاتی هستند که در پیکر انسان خلق شده‌اند، با این تفاوت که مانند فرشتگان، اختیار از آن‌ها سلب شده است (و چون فاقد اختیارند، مکلف نیستند و مورد بازخواست قرار نمی‌گیرند)، به همین دلیل در الگوی طراحی‌شده زیر، گل نشانگر کودک با نشانگان داون است که مصداق گلی از گل‌های بهشت است و ریشه‌های آن (علل بروز) پرداخته شده است» (افروز، نصرتی، ۱۳۹۶: ۱۷۴ و ۱۷۵).

منابع: افروز، غلامعلی؛ نصرتی، فاطمه؛ ۱۳۹۶، اختلال در کروموزوم‌ها؛ سندروم داون، دانشگاه تهران؛ موسسه انتشارات.

پ.ن: تریزومی یعنی سه باره



این بچه‌ها نداشتم و حتی آن‌ها را از نزدیک ندیده بودم، احساسی هم نسبت به آن‌ها نداشتم اما وقتی این کودکان را دیدم، به راحتی توانستم با آن‌ها ارتباط برقرار کنم و برایم دوست‌داشتنی شوند.

این بچه‌ها به خاطر یک اختلال ژنتیکی از نظر جسمی و ذهنی شرایط خاصی رادارند. فرشته‌هایی با دهان، گوش و دستان کوچک، گردن کوتاه، پیشانی پهن و صورت تخت و چشم‌هایی به طرف بالا و چهره‌ای پر از عاطفه و احساس که به راحتی می‌توان تشخیص داد که کودکان نشانگان داون هستند، آنان به آرامی یاد می‌گیرند و پله‌های نردبان آموزشی را به‌کندی طی می‌کنند.

از دیگر مشکلات آموزشی دانش‌آموزان با نیازهای ویژه، این است که خانواده‌های آنان اکثراً سواد چندانی ندارند و یا از شیوه آموزش به فرزندانشان زیاد مطلع نیستند. این خانواده‌ها در مقایسه با خانواده‌های دانش‌آموزان عادی بسیار کمتر می‌توانند به فرزندانشان کمک کنند. در دوران کرونا، عده‌ای اصلاً گوشی هوشمند نداشتند؛ اگرچه معلمان پرتلاش و فعال استثنایی از همان روزهای نخست بسیج شدند تا به روش‌های مختلف و با رفتن به خانه‌های آن‌ها روند آموزش را تسهیل ببخشند اما این حوزه نیازمند تلاش و کار مضاعف است.

زمانی که با معلم آن‌ها هم‌صحبت شدم، می‌گفتند که میزان فراگیری بچه‌های سندروم داون با یکدیگر متفاوت است، و معمولاً باید با آن‌ها به صورت انفرادی کارکرد، بیشتر بچه‌ها در گفتار مشکل دارند. به‌طور مثال وقتی که می‌خواهند شعری را بخوانند، آن را با وقفه فراوان و گاهی هم به صورت کلمات نامعلوم می‌خوانند. اکثر کودکان نشانگان داون، نیاز به کلاس گفتاردرمانی و بازی‌درمانی دارند اما متأسفانه این کلاس‌ها با هزینه‌های فراوانی همراه است.

کلاس درس این قبیل کودکان و نوجوانان باید کاملاً ساده باشد تا زمینه تمرکز و توجه به موضوع اصلی بیشتر فراهم شود چراکه نسبت به محرک‌های اضافی محیط اطراف واکنش سریع نشان می‌دهند و دچار حواس‌پرتی

"تقدیم به همه آنانی که کفش‌های کودکی‌شان، هنوز اندازه پایشان است."

«بچه‌های ابدی، پوران رخشنده»

تری زومی ۲۱ یا نشانگان داون؛ یعنی حاصل جمع ۴۶ به علاوه ۱ کروموزوم که مساوی است با ۴۷ کروموزوم. چهل و هفتی‌هایی که خودشان انتخاب نکرده‌اند که یک کروموزوم اضافه در سلول‌هایشان داشته باشند، و نشده است که اطلاعات ژنتیکی خود را با ۴۶ کروموزوم از والدینشان به ارث ببرند، نشانگان داون‌هایی که به دلیل یک اختلال موروثی کوچک در زمان تشکیل جنین با مشکلات جسمی و ذهنی در آینده دست‌به‌گریبان می‌شوند که پایان عمر همراه همیشگی‌شان خواهد بود.

«نشانگان داون شایع‌ترین و شناخته‌شده‌ترین اختلال کروموزومی در انسان است که ظهور آن حاصل تکثیری اضافی در بخش مجاور کروموزوم ۲۱ است» (افروز، نصرتی، ۱۳۹۶: ۱۷۷).

«نگاه و ادراک بهشتیان داون به پدیده‌های هستی، کمی از همسالانشان متفاوت است، دانش آموزان با نشانگان داون دیرتر می‌آموزند و زودتر فراموش می‌کنند» (همان: ۴). «کودکان نشانگان داون نیازمند زبان پرمهر و محبت و کلام پر نشاط امروز و همین ساعت و همین لحظه شما هستند. با زبان محبت، رفتاری توأم با منطق و صبوری و گشاده‌رویی می‌توان انگیزه‌های تلاششان را مضاعف کرد. چراکه همه کودکان این اختلال، همانند تمامی کودکان و بزرگسالان جهان، بلکه بیشتر از آنان، تشویق طلبند و تنبیه‌گریز، محبت‌پذیرند و اخم‌گریز، تکریم‌طلبند و تحقیر‌گریز، تأیید‌طلبند و...»

پس همیشه با زبان محبت و احترام و ترغیب و تشویق با آن‌ها سخن بگوییم و هم‌گام و هم‌راهشان باشیم» (همان: ۳۳۴ و ۳۳۵).

در این شماره از نشریه با مأده دانشجو معلم آموزش استثنایی دانشگاه فرهنگیان دزفول همراه خواهیم‌شد، تا بگوید برای من و شما از قصه پر غصه بچه‌های نشانگان داون، شاید من و شما خیلی کم و به ندرت با فرشته‌های ۴۷ کروموزومی برخورد داشته‌ایم اما مأده با انتخاب رسالتی خاص قدم در مسیر مهربانی گذاشته است و اکنون می‌شنویم حس و حال بودن با کودکان سندروم داون را از ایشان:

اولین بار که به مدرسه "پگاه پریدار" رفتم، با کودکانی روبه‌رو شدم که در رفتار و گفتار افرادی خوشحال و دوست‌داشتنی بودند و به ندرت عصبانی می‌شدند برای همین، به راحتی توانستم با آن‌ها ارتباط برقرار کنم. کودکانی آرام، گرم، صمیمی و شاد با ظاهری تپل که آن‌ها را دوست‌داشتنی‌تر می‌کند، و دانه‌های مهربو محبت را با لیخندی بر لب می‌توان در دلشان کاشت. من قبلاً اطلاعات چندانی درباره



# از تخته هوشمند تا شین. الف. دال

شنیداری- دیداری استفاده می‌کرد. در سال ۱۳۹۰ وزارت آموزش و پرورش در اغلب شهرهای بزرگ ایران مدارس را تبدیل به مدارس هوشمند کرد. مطالعه نقشه راه مدارس هوشمند در ایران نشان می‌دهد که الگوی این مدارس به لحاظ نظری، کاملاً شبیه به مدارس هوشمند مالزی است، اما در مقام اجرا تفاوت‌های فراوانی با توجه به زیرساخت‌های متفاوت در این دو کشور وجود دارد.

هوشمند سازی مدارس نه فقط فراهم کردن یک سری وسایل سخت‌افزاری در مدرسه بلکه تغییر در فرهنگ و دیدگاه نسبت به فرآیند یاددهی-یادگیری است در غیر این صورت؛ کلاس هوشمند تبدیل می‌شود به کلاسی شیک و زیبا با انواع ابزارهای هوشمند اما معلم محور و سنتی. اینجاست که فلسفه تخته سفید تعاملی یا ساده‌تر بگویم تخته هوشمند به فراموشی سپرده می‌شود و نه تنها در بهبود کیفیت یادگیری تأثیری نخواهد داشت بلکه موجب تقویت همان شیوه‌هایی خواهد شد که فاقد کارایی در عصر نوین است.

هنوز مدارس و دانش آموزان ما با هوشمند سازی آشنا نشده بودند و چه بسیار کسانی که تخته هوشمندی را به چشم ندیده بودند که نظام تعلیم تربیت با تهدید یا فرصتی به نام کرونا مواجه شد؛ مدارس تعطیل شدند و آموزش از طریق رسانه‌ها صورت پذیرفت، شبکه‌ها جای نیمکت‌ها را گرفت.

گرچه پیدا کردن سه حرفی شین. الف. دال در جدول آموزشی آن‌هم در کمترین زمان، دستاوردی مهم و شایسته تقدیر بود اما آیا برای همه فراگیران طراحی شده بود، حتی برای کودکان با نیازهای ویژه؟ آیا برنامه‌ای در شبکه‌ای در تلویزیون برای دانش‌آموزانی با نیازهای ویژه طراحی شد؟ با وجود پرنرنگ‌تر شدن آموزش مجازی در عصر حاضر و صرفه‌جویی در هزینه‌ها و زمان، درعین حال باید به دنبال راهکاری بود که موجب رغبت و انگیزه یادگیری در دانش آموزان گردد نه ترک تحصیل آنان.

از تخته‌سیاه به تخته هوشمند رسیدیم، از تخته هوشمند به نرم‌افزار شاد اما آیا هوشمند سازی مدارس به استفاده هوشمندانه منجر خواهد شد؟

منبع: عطاران، محمد، مدرسه هوشمند، دانشنامه ایرانی برنامه درسی

تربیت همه‌جانبه، تقویت مدارس، استفاده هوشمندانه از فناوری‌ها، بهبود مدیریت، ارتقا جایگاه معلم، مشارکت عوامل مؤثر در آموزش و پرورش، بهبود وضعیت اقتصادی؛ این‌ها واژگانی هستند، آشنا اما غریب که هر یک از ما بارها و بارها این کلمات را در متن سندی که از آن به‌عنوان سند تحول بنیادین یاد می‌شود، به چشم دیده‌ایم. تحولی که پیشگامان آن با هنرها و رجایی‌ها هستند، تحولی که با پیچیده شدن افکار ضروری است، تحولی که اغلب آن را آرمانی می‌پنداریم، لکن اگر ما وظیفه خود را بدانیم بی‌شک در راستای آن قدم خواهیم گذاشت.

مدرسه آن نقطه پیوندی است که رسیدن اهداف سند به آن متکی است. چراکه اگر مدارس تقویت شوند، ارزش و جایگاه معلم نیز ارتقا پیدا کرده و جایگاه دانش‌آموز، آن‌چنان‌که در سند تحول پیش‌بینی شده است، تحقق می‌یابد. موضوع هوشمند سازی مدارس از محورهای سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش است اما مقصود ما از هوشمند سازی چیست؟ ساده‌لوحانه است که اگر تصور کنیم ورود فناوری اطلاعات در جلوه‌های مختلف آن به‌تنهایی موجب انقلاب آموزشی می‌شود.

پیش از اینکه تحلیلی بر هوشمند سازی مدارس داشته باشیم؛ به پیشینه‌ای از آن می‌پردازیم.

«نخستین مدرسه هوشمند در مالزی تأسیس شد و در واقع مالزی را باید مبتکر این طرح دانست. دولت مالزی به دنبال سند چشم‌انداز ۲۰۲۰ خود، طرحی را با عنوان دالان بزرگ چندرسانه‌ای (ام.اس.سی) و شهر الکترونیکی در نظر گرفت تا کشور را برای ورود به عصر اطلاعات مهیا کند. طرح مدرسه هوشمند یکی از هفت طرح بزرگ ام.اس.سی بود. در بیانیه سال ۱۹۹۷ دولت، در این باره آمده است: «مالزی نیاز به تحول جدی برای گذر از کشوری صنعتی به کشوری پیشرو در عصر اطلاعات دارد. مالزی باید به کشوری باسواد فناورانه عمیق تبدیل شود. نیروی کار اندیشه ورزی؛ که توان کار در اقتصاد جهانی را داشته باشد و مهارت کاربرد ابزارهای عصر اطلاعات را کسب کرده باشد. برای نیل به این تحول، نظام آموزشی باید دچار تحولی حداکثری شود». اجرای طرح مدرسه هوشمند در ایران از سال ۱۳۸۲ با الهام از ایده اولیه در کشور مالزی آغاز شد. این مدرسه، مدرسه‌ای غیرانتفاعی بانام دبیرستان شهید آقایی بود که در تدریس از فناوری



# چهارشنبه‌های جذاب روش‌های نوین تدریس

من از شما می‌خواهم قبل از خواندن متن زیر، چشم‌هایتان را ببندید و به این پرسش‌ها فکر کنید و به دوران تحصیلتان برگردید. بهترین و بدترین کلاس‌های درسی را که تجربه کردید چه کلاس‌هایی بودند؟ چه چیزهایی باعث شد که این تصور خوب یا بد بودن در ذهن شما شکل بگیرد؟ فرصت شما برای فکر کردن تمام شد.

در ادامه مطلب متوجه خواهید شد که چه عواملی باعث شده است که برخی از کلاس‌ها برای ما بهترین خاطره‌ها و برخی دیگر بدترین‌ها را رقم بزنند، به‌گونه‌ای که کلاس درس برای ما به‌مثابه جایی برای شکنجه روح و روانمان تبدیل شود. یکی از مهم‌ترین آن عوامل نحوه تدریس شما است. اگر شما هم بخواهید فقط روش‌های تدریس سنتی را ادامه دهید، مطمئن باشید که کلاس درس خود را به‌یادماندنی می‌کنید اما در بدترین نوع ممکن.

بارها گفته‌ام درهم چیز سعی داریم به‌روز باشیم به‌جز در تدریس‌هایمان؛ و بدا به حال آینده جامعه‌ای که سیستم آموزشی آن به‌روزرسانی نشود، با معلمانی به‌ظاهر به‌روز. در کتابی با عنوان آموزش ریاضی به کودکان دبستانی با روش کشورهای پیشرفته با متن جالبی روبه‌رو شدم. «در اروپای قرون وسطی و رُنسانس، همانند اغلب جوامع در طول تاریخ، معلمان مدارس ابتدایی آموزش نمی‌دیدند، دستمزد آن‌ها کم بود و از شأن و منزلت پایین برخوردار بودند. آنان دانش ریاضی اندک خود را با روش حفظ کردن به کودکان می‌آموختند» (ملکی، ۱۳۹۴: ۱۰). بنگریم و ببیندیشیم که می‌خواهیم چگونه باشیم، معلمی در قرن ۲۱ با روش تدریس قرون وسطی؟ در این شماره با یکی دیگر از روش‌های نوین تدریس آشنا خواهیم شد؛ چهارشنبه‌های جذاب.

در چهارشنبه‌های جذاب یا انعطاف‌پذیر، شما به‌عنوان معلم تلاش می‌کنید که به هر دانش‌آموزی کمک کنید تا درس‌هایی را که برای او بسیار مشکل است، در یک جلسه و در طول یک روز مشکلش را در آن درس، به‌صورت عمیق و مفهومی برطرف کنید. همیشه همه دانش‌آموزان در یک درس مشکل ندارند و ممکن است یک دانش‌آموز در درس ریاضی مشکل داشته باشد و دیگری در درس فارسی یا علوم و یا... و شما باید وقت بگذارید و همراه دانش‌آموزانتان در حل مسائلشان گام بردارید، پس بارویش تدریس چهارشنبه‌های منعطف یک روز را اختصاص می‌دهید به برطرف کردن مشکلات دانش‌آموزانتان در درس‌های مختلف با توانایی‌های فردی متفاوت، با چهارشنبه‌های جذاب، انعطاف را به کلاستان بیاورید و آن را به‌یادماندنی کنید در بهترین نوع ممکن.

منبع: ملکی (قاسم)، حسن، ۱۳۹۴، تدریس ریاضی دوره ابتدایی به شیوه یادگیری هم‌کارانه، چاپ دوم، انتشارات آوای نور، ص ۱۰



# ۱۲ سال را می‌شد بهتر هدر داد

پشت دست بر دهان دانش آموزش کوبید که من نمی‌توانم حرفم را بزنم؟ صفحه‌ها از تاجیکستان، ترکمنستان، ارمنستان و... درس خواهم داد و دانش آموزان را مجبور می‌کنم تمام آداب و آمارها را حفظ کنند و حسنک خواهد پرسید: ((چرا برایمان از ترکمن‌ها نمی‌گویید؟ و چرا عکس لباس کردی در کتاب نیست؟ و چرا از زبان بلوچ‌ها در کتاب چیزی نوشته است؟ و راستی جمعیت لرها چه قدر است؟)) و یک آجر دیگر خواهد افتاد. درس خواهم داد: ((آن شاخ که سر برکشد و میوه نبارد فرجام به‌جز سوختنش نیست سزاوار.)) و دیکته خواهم گفت: ((کلاغ نه زیباست و نه خوش‌آواز که در قفس نگهش دارند.)) و حسنک خواهد پرسید: ((مگر هر درختی که میوه ندارد باید در آتش بسوزد؟ مگر هر که زیبا و خوش‌آواز است، باید در قفس باشد؟ چرا کلاغ را کسی دوست ندارد؟)) یکی دیگر از آجرها می‌افتد. ((چرا کسی نبود که دوستان داشته باشد؟)) حقیقت این است که گاهی مدرسه به‌گونه‌ای چشم را کور می‌کند که حتی اطراف را نمی‌شد دید. حتی خود مدرسه را نمی‌شد دید؛ مانند مدرسه‌ای که نبودش، به چشم نمی‌آید. باید مراقب آنچه دانش‌آموز می‌پرسد و آنچه نمی‌پرسد بود. کتاب کافی نیست.



خودش و مردم شهرش بپزد و برای مردم همه شهرها بفرستد و کسی در آن نیندیشیده، همه از آن بخورند. با این حساب آشپزی چندان کار سختی نیست! و اینجا یک روز یک دانش‌آموز -شاید حتی حسنکی که چندان حوصله مدرسه ندارد- از من خواهد پرسید: ((پس چرا ابوعلی بلعمی گفته است: اندیشیدن در کار خالق و مخلوق، روشنایی افروزد اندر دل؟)) آن روز یک آجر از پیکره این مدرسه خواهد افتاد. درس خواهم داد: ((اگر ۳۱ سیب داشته باشیم و آن را بین ۳۱ نفر قسمت کنیم؛ به هر نفر ۱ سیب می‌رسد.)) و دیکته خواهم گفت: ((روی تخته هوشمند، می‌توانی هر چیزی را به هر رنگی که دوست داری نقاشی کنی. با پرگار هوشمند...)) و حواس حسنک را پرت می‌کنم تا نپرسد: ((پس چرا مدرسه ما آزمایشگاه ندارد؟ کتابخانه ندارد؟ حتی حیاط ندارد و همیشه ترسی ناشی از آتش گرفتن بخاری‌اش، در وجود ما هست.)) که اگر بپرسد، یکی دیگر از آجرها خواهد افتاد. کدام معلم در کجای ایران، تقسیم را جوری تدریس کرد که حالا نان و آجر را این‌گونه قسمت می‌کنند؟ درس خواهم داد: ((خرس بدبویی که می‌خواست تغییر کند برای رفتن به سرکار؛ لباس پوشید، عطر زد و ریش‌هایش را تراشید.)) حسنک می‌پرسد: ((مگر ریش نشانه آلودگی است؟)) و اگر حرفی برای گفتن نداشته باشم و یا بدتر؛ با او تند برخورد کنم، یکی دیگر از آجرها فرو خواهد ریخت. کدام معلم در کجای ایران با

چند روز پیش، از خیابانی که سال‌ها، مسیر خانه تا مدرسه را از آن پیموده بودم می‌گذشتم. خیابانی با چهار مدرسه در کنار هم. هر بار که از این خیابان می‌گذشتم، خاطرات نه‌چندان دوست‌داشتنی، با بدجنسی از بالای دیوارها و پشت میله‌های پنجره‌ها سرک می‌کشیدند و مرا صدا می‌زدند و من همیشه تلاش می‌کردم به سمتشان برنگردم و نگاهشان نکنم. بگذار همان‌جا، پشت همان درها بمانند. نوشته روی دیوار یکی از مدرسه‌ها را برای بار هزارم خواندم: ((مدرسه خانه دوم ماست.)) همین‌طور که پیش می‌رفتم متوجه محوطه غیرمسکونی بزرگی شدم. به یاد نمی‌آوردم که در آن منطقه، زمین غیرمسکونی وجود داشته باشد. ناگهان متوجه شدم جای خالی یکی از مدرسه‌هاست! خوشحال شدم. مدرسه را از ریشه کنده بودند و آن خاطرات تلخ دیگر نمی‌توانستند رشد کنند، شاخ و برگ بگیرند و به دست و پای دانش‌آموزان بپیچند. شاخه‌هایی که ابتدا به دست‌وپا می‌پیچند و بعد وارد شیارهای مغز دانش‌آموزان می‌شوند تا شیربه کتاب‌های درسی را بدون کم‌وزیاد، به مغز دانش‌آموزان تزریق کنند و این میان جایگاه معلم کجاست؟ ماشینی که بدون اندیشیدن، تنها اطلاعات کتاب‌های درسی را در ذهن دانش‌آموزان حک می‌کند و آن‌ها نیز باید بدون اندیشیدن همه آن محتوا را پذیرا باشند؛ و این ماشین در سرآشویی سقوط است. می‌خواستم بگویم من هرگز چنین معلمی نخواهم شد اما می‌دانم که بیهوده می‌گویم. سر کلاس خواهم رفت. کتاب‌ها را به من تحویل خواهند داد تا درس بدهم. کتاب‌هایی که برای نوشتنشان، کسی نظر من را نمی‌پرسد. با این حال درس خواهم داد: ((...و با همفکری یکدیگر، گروهی گزارشی بنویسند.)) گروهی؟ از چند صفحه قبل آشپز عصبانی، ملاقه‌اش را در هوا تکان می‌دهد: ((مگر نمی‌دانی آشپز که دو تا شد...؟)). می‌خواهد تنهایی، آش را مطابق مذاق



ادامه در صفحه بعدی





و نمی‌توانی همه‌ی آن بیست و چند نفر باشی. تدریس یعنی ایجاد رابطه؛ ایجاد رابطه‌ای فراتر از این کتاب‌ها و دفترها و فراتر از سخن‌های بسیار بر سر این‌که دانش‌آموز مداد را با دست چپ می‌گیرد یا دست راست. فراتر از همه‌ی آنچه با درگیری بر سرشان سال‌های مدرسه را گذرانند. ۱۲ سال را بهتر هم می‌شد هدر داد. ((مدرسه خانه‌ی دوم ماست)) زاغ گفت: ((اما وطن من جای دیگری ست. فراتر از این کوه‌ها و دریاها.)) می‌خواستم بگویم هرگز چنین معلمی نخواهم شد اما می‌دانم که بیهوده می‌گویم. باز سقف مدرسه‌ها فرو خواهد ریخت و بازهم مدرسه‌ها آتش خواهند گرفت و باز معلم‌ها لغت‌های پرهیاهو را غلط تلفظ خواهند کرد و همچنان باید به زخم‌های آمده و نیامده عادت کرد که اگر معلم‌ها ترکه را بیندازند، چه کسی حسنک‌ها را ساکت خواهد کرد؟

سروکار معلم با ماشین نیست، با انسان است ((و هرکس یک نفر را نجات دهد، گویی همه انسان‌ها را نجات داده است.))

پاک‌کن. دستانت را از این آلودگی‌ها پاک‌کن. با این دست‌ها سرمشق نده، کیف دانش‌آموز را نگرد. کتک نزن. ((انضباط شدید کودک را می‌ترساند و هیچ‌کس نمی‌تواند به یک کودک ترسو چیز زیادی یاد بدهد.)) با دهان آلوده‌ات این ویروس را پراکنده نکن. برای پاسخ به سؤالی که درباره آن دانشی نداری، کلمات را سرهم نکن. ماسک زدن فایده‌ای ندارد؛ ویروس از طریق صدا منتقل می‌شود. خانم مربی گفت: ((بچه‌های خوب من! هرگونه صدایی که انسان را ناراحت کند، آلودگی صوتی ست.)) ویروس در صدا حل و در هوا پراکنده می‌شود و در لابه‌لای آجرهای کلاس جا می‌گیرد و هر بار یک آجر می‌فتد تا در نهایت سقف مدرسه فروریزد. می‌خواستم بگویم سقف که فروریخت، مدرسه را که از ریشه کردند، پایان کار است؛ اما به این سادگی‌ها هم نیست. هرگاه مدرسه‌ای را تخریب کردند به‌جای خالی‌اش نگاه کنید. مدرسه نیست اما سایه‌اش و روحش هست. روحی با هزاران کلاس قفل‌شده که همیشه همراه توست و تا آخر عمر، هر بار با مسئله‌ای مواجه شوی و هر بار که دهان باز کنی؛ قفل یکی از کلاس‌ها باز می‌شود و گفتار و رفتارت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. روحی که ترسیم‌شده دست معلم است و می‌تواند زشت یا زیبا باشد. مدرسه هرگز از بین نمی‌رود و تنها پیکره‌ی کهنه در حال تخریب تویی! توی معلمی که بدون در نظر گرفتن سنت، روش‌ها، سؤال‌ها و پاسخ‌های تکراری ست. تنها خودت هستی

پاسخ تکراری کتاب‌ها به پرسش‌های ما برای نسل ما این‌گونه جا انداخت که هر کتابی که ممنوعه است، خواندنی تراست و هر سرودی که ممنوعه است، شنیدنی‌تر. به تصویر فردوسی روی جلد فارسی ششم نگاه کنید. فردوسی بزرگ گریه می‌کند و از لابه‌لای صفحه‌های کتاب صدای ضعیف دهخدا به گوش می‌رسد که از رنج غریبی که می‌بریم، سخن می‌گوید. هر چه می‌خواهی رکاب بزن دریاقلی. به این ماشین در حال سقوط نخواهی رسید و نمی‌توانی آن را نجات دهی. ((حسن امید زاده، معلم فداکاری بود که در یک واقعه آتش‌سوزی جان دانش‌آموزان را نجات داد.)) آتش گسترده ست، معلم فداکار! این بار ابتدا معلم‌ها را نجات بده و بعد آن‌همه دانش‌آموزی که به مدارس می‌روند که سقفشان لرزان است یا مدارس که اصلاً سقف ندارند. به‌جای پوشاندن لباس بر تن ریز علی، به‌پای برهنه‌ی بچه‌های مدارس کپری کفش بپوشانیم. برای همدلی با برخی زخم‌ها نیازی به خواندن آینه همه صفحه نیست. به‌جای این‌همه بیهوده‌گویی، بگذاریم فردوسی شاهنامه بخواند و بیگانگان را پشت مرز این کلاس‌ها منتظر نگه دارد تا مجال نیابند بیش از این کتاب‌های درسی را تسخیر کنند. ((آیا برای رفتن به مدرسه لباس مخصوصی می‌پوشید؟)) این رخت چرکینی را که از آن تو نیست، از تنت دریاور. ذهنت را از آلودگی این‌همه کتاب و روش قدیمی



# بررسی تعارضات در عدم تربیت و آموزش صحیح فرزندان خانواده متعالی

مجموع تعارض‌های زندگی و جوان‌های امروزی به قدری در حال افزایش‌اند که جمع‌کردن آن در مطلبی کوتاه کار دشواری است، اما اساسی‌ترین آن‌ها که سبب جدایی والدین و یا عدم تربیت صحیح فرزندان است را به اختصار بررسی می‌کنیم. متأسفانه، فاصله گرفتن از هنجارهای رفتاری و تربیتی و دینی، سبب ایجاد یک گسل اخلاقی و رفتاری در بین خانواده‌ها و تربیت نادرست فرزندان شده است. دین مبین اسلام که برای جزئی‌ترین مسائل زندگی فردی و جمعی برنامه‌ای مدون و معین دارد به راستی می‌تواند ریشه بسیاری از مشکلات جدایی والدین و نافرمانی و بی‌احترامی فرزندان نسبت به والدین و برخی ناهنجاری‌های موجود دیگر را نابود و بازسازی کند.

در قرآن کریم چند توصیه برای بهتر شدن سبک و روش زندگی ذکر شده تا راهی باشد برای عموم مؤمنین مشتاق به مطالعه و دستورات اساسی زندگی اسلامی؛ مانند تفسیر این آیه «واتبع فیما اتاک الله الدار الاخره» آینده نگر، علاوه بر استفاده درست از نعمت‌های زندگی، باید به فکر آخرت نیز باشیم تا در هر دو سرا سعادت‌مند شویم. به فکر آخرت بودن باعث می‌شود تا خانواده به کارکردهای محدود زندگی اکتفا نکنند و در اثر بی‌هدفی به انحلال کشیده نشوند. زیبایی‌های زندگی را از دست ندهیم، از زندگی و داشته‌های خود لذت ببریم و خود را از نعمت‌های دنیایی محروم نکنیم. البته لذت بردن از زندگی باید در چهارچوب شرع باشد تا موجب تباه ساختن خود و خانواده نشود. توصیه دیگر امر به خوبی است. تا می‌توانی خوب باش و خوبی کن-واحسن کما احسن الله علیک-بی دریغ به دیگران خوبی کنید و بدون چشم‌داشت و انتظار همچون رفتار خداوند با بندگان. مهم‌ترین عاملی که همسران را از هم جدا می‌کند، بی‌بهرگی از فضایل اخلاقی است. خوبی کردن و خوش‌خلق بودن از نظر عقل و شرع، بهترین راه مقابله با این آسیب است.

در سبک زندگی معصومین مهم‌ترین اساس در تشکیل و مدیریت خانواده، بی‌اعتباری امور مادی و سختی‌ها و ازدواجی آسان و معمولی بود که امروزه این سبک در لابه‌لای زندگی تجملاتی کمتر به چشم می‌خورد و امر ازدواج به ترسی بازدارنده از تشکیل خانواده تبدیل شده است.

ناسازگاری‌ها، جدایی‌ها و تعارضات کنونی جوامع را می‌توان به عدم تربیت صحیح خانواده و همچنین کم‌کاری مجریان جامعه پیرامون فرهنگ‌سازی ربط داد. طلاق که بزرگ‌ترین معضل جوامع است خود معلول علتی به نام تربیت و تعلیم است.

نقص در موضوع تربیت موجب؛ گرایش‌های منفی غرب‌گرایانه، تقلید از آداب و رسوم اشتباه داخلی و غربی، فراموش کردن یا عدم رجوع به احادیث و کتب پیرامون سبک زندگی اسلامی و دنبال نکردن فهم موضوعاتی همچون، عشق حقیقی و نبود درک متقابل بین والدین و فرزندان که در نهایت موجب ایجاد شکاف بین تفکر جوانان امروزی و خانواده‌هایشان خواهد شد که اغلب فرزندان اظهار دارند والدینشان تفکری قدیمی دارند و نمی‌توانند آن‌ها را درک کرده و راهنمایی کنند. عدم آگاهی و نبود مطالعه بین والدین باعث ایجاد این‌طور تعارضی خواهد شد. متأسفانه کمبود کلاس‌های آموزشی و برگزاری دوره‌هایی برای توجیه والدین کم‌سواد یا بی‌سواد نیز در رابطه با مدیریت درست زندگی و برخورد صحیح با فرزندان از سوی موسسه‌های فرهنگی به چشم می‌خورد.

محوریت سبک زندگی اسلامی باید مبتنی بر دستورات دینی مانند شیوه زیستن، اخلاق اسلامی، الگوهای مصرفی و تربیتی، رفتار اجتماعی و سبک درست زندگی کردن باشد. همان‌طور که رهبر انقلاب در تشریح مفهوم سبک و فرهنگ زندگی خطاب به زوجین فرمود: «درواقع سبک زندگی به همه مسائلی برمی‌گردد که متن زندگی انسان را تشکیل می‌دهد و باید جهت‌گیری‌ها و پایه‌های ارزشی بر مبنای دستورات شرعی و اخلاقی باشد». ایشان فرمودند که پایین آوردن انتظارات و تقلید نکردن از سبک زندگی غربی می‌تواند به پیوند استوار خانواده و رفع معضل طلاق کمک بسزایی بنمایند. (سبک زندگی اسلامی در اندیشه رهبر. ابوالفضل احمدی.)

اساس مشکلات نامبرده از بی‌اطلاعی دستورات دینی است. در بحارالانوار که مشتمل بر ۱۲۰ جلد کتاب جامع احادیث ائمه اطهار است به وفور در مورد نوع و سبک زندگی اسلامی تکامل یافته می‌تواند نمونه‌های زیادی یافت. در رابطه با پرهیز از جدال و دعوا و بحث و شوخی نا به جا، امام حسن عسگری می‌فرماید «لاتمار فیذهب بهاوک ولاتمازح فیجترأعلیک. جدال مکن که ارزشت می‌رود و شوخی مکن که بر تو دلیرشوند. بحارالانوار جلد ۲۳.» و همچنین پیرامون همین موضوع امام صادق می‌فرماید «الغضب مفتاح کل شر-خشم و غضب کلید هرگونه شر و بدی است.» از این کلام امام معصوم می‌توان برداشت کرد که ائمه اطهار چه در خانواده و چه بیرون از خشم دوری می‌جستند. چراکه عواقب همین خشم و کوتاه نیامدن در جدل‌های خانوادگی در دادگاه‌ها نمایان است که تواضع در جدال‌ها بین خانواده می‌تواند مانع بسیاری از مصیبت‌ها و مشکلات باشد. همان‌گونه که از کلام امام حسن عسگری «تواضع و فروتنی، نعمتی است که سبب حسادت دیگران نمی‌شود.» پیداست.

زندگی عالی، معاش عقلی و اسلامی را که از راه‌هایی همچون عقل، شرع، عشق و دل مطالعه و بررسی شود را می‌طلبد. آیات الهی و سخنان ائمه اطهار و بزرگان اخلاق و دین بهترین معرف و راهنما در مدیریت درست زندگی نه تنها برای مسلمانان بلکه برای تمامی مردم در هر جای جهان هستند.

جناب آقای ملا احمد نراقی در کتاب معراج السعاده و میرزا جواد آقاملکی تبریزی در کتاب المراقبات تفاهما فرمودند «که اگر می‌خواهید افعال و تصمیمات و اقوال و زندگی شما عالی و مورد رضای خدا باشد و همچنین بدون مشکل و جدال باشد، امام زمان را پیوسته حاضر و ناظر خود بدانید. مثلاً اگر قصد جدل با همسر یا بی‌احترامی به والدین کردی تصور کن امام زمانت در کنارت ایستاده و این امر موجب خجالت و پرهیز می‌شود»



# یادت باشد، یادم هست...

باید عاشق باشی تا درد دوری را حس کنی، باید اشک‌هایت را گوشه کتیبه‌اش گره بزنی و گریه‌ها و بی‌قراری‌هایت را نذر نگاهش کنی. باید نگاه‌های پر از انتظارت را گوشه در جا بگذاری و چشم‌بگیری از قامت ایستاده‌اش در چهارچوب در. باید تمام خاطراتت را در خورجینی از حسرت پنهان کنی و از یاد ببری. باید پریشانی شب‌های نبودنش را سر سجاده ببری و با هر دانه تسبیحت بغض‌های سنگ‌شده‌ات را رها کنی. تا بهای سوختنت در این راه، بهشت و سهم قلب رنج‌دیده‌ات نگاهی از بانوی داغ‌دیده کربلا باشد.

سر سفره که نشست، گفت: «آخرین صبحانه را بامن نمی‌خوری؟!» با بغض گفتم: «چرا این‌طور می‌گویی؟ مگر اولین بار هست که به مأموریت می‌روی؟!»

گفت: «کاش می‌شد صدایت را ضبط می‌کردم و با خودم می‌بردم که کمتر دلم برایت تنگ شود» گفتم: «قرار گذاشتیم هر جا که توانستی به من زنگ بزنی، من هر روز منتظر تماس می‌مانم، مرا بی‌خبر نگذار.» با هرجان‌کندنی که بود کنار در خروجی برایش قرآن گرفتم تا راهی‌اش کنم. لحظه آخر گفتم: «کاش می‌شد با خودت گوشی ببری. حمید تو را به همان حضرت زینب (س) من را از خودت بی‌خبر نگذار. هرکجا توانستی تماس بگیر.»

گفت: «هرکجا که جور باشد حتماً به تو زنگ می‌زنم. فقط یک چیزی. از سوریه که تماس گرفتم چطوری بگویم دوستت دارم؟ آنجا بقیه هم کنارم هستند. اگر صدای من را بشنوند از خجالت آب می‌شوم.» به یاد زندگی‌نامه و خاطراتی که از شهدا خوانده بودم افتادم. بعضی‌هایشان برای این‌جور موقعیت‌هایی با همسرشان رمز می‌گذاشتند. به حمید گفتم: «پشت‌گوشی به‌جای دوستت دارم بگو یادت باشد! من منظورت رو می‌فهمم.»

از پیشنهادم خوشش آمد. پله‌ها را که پایین می‌رفت برایم دست تکان می‌داد و بلندبلند می‌گفت: «یادت باشد! یادت باشد!»

لبخندی زدم و گفتم: «یادم هست! یادم هست!»

کتاب یادت باشد روایتی از زندگی عاشقانه شهید مدافع حرم، حمید سیاهکالی مرادی که پاییز سال ۹۲ ازدواج کرد و در پاییز سال ۹۴ در دفاع از حرم مطهر حضرت زینب (س) به شهادت رسید. خاطرات، از زبان همسر این شهید گران‌قدر است؛ که به اعتقاد رهبر انقلاب باید آن را در تاریخ ثبت کرد. ایشان به این کتاب که اخیراً خواندند اشاره کردند و فرمودند:

(یک کتابی خواندم که خیلی برای من جالب بود. دختر و پسر جوان، زن و شوهر متولدین دهه ۷۰، می‌نشینند برای اینکه در جشن عروسی‌شان گناه انجام نگیرد، نذر می‌کنند سه روز، روزه‌بگیرند! به نظر من این را باید ثبت کرد در تاریخ که یک دختر و پسر جوانی برای اینکه در جشن عروسی‌شان ناخواسته خلاف شرع و گناهی انجام نگیرد، به خدای متعال متوسل می‌شوند، سه روز روزه می‌گیرند. پسر عازم دفاع از حریم حضرت زینب (س) می‌شود. گریه ناخواسته این دختر، دل او را لرزاند. به این دختر، به خانمش می‌گوید: که گریه تو دل مرا لرزاند اما ایمان من را نمی‌لرزاند! و آن خانم می‌گوید که من مانع رفتن تو نمی‌شوم، من نمی‌خواهم از آن زن‌هایی باشم که در روز قیامت پیش فاطمه زهرا سرافکننده باشم! ببینید، این‌ها مال قضایای صدسال پیش و دویست سال پیش نیستند، این‌ها برای سال ۹۴ و ۹۵ و همین سال‌ها است. برای همین روزهای در پیش ما است. امروز این است. در نسل جوان مایک چنین عناصری حضور دارند. این‌ها را باید یادداشت کرد. این‌ها را باید دید. این‌ها را باید فهمید)

منبع

ملاحسنی، محمد رسول، ۱۳۹۸، ص ۲۵۱



## سفره رنگین

استان ایلام از لحاظ تاریخی بسیار غنی بوده و آثار جذابی از قرون و اعصار گذشته را در بطن خویش به یادگار دارد. از طرف دیگر، قرار گرفتن ایلام در ناحیه کوهستانی و پوشش گیاهی متنوع آن، باعث ایجاد مناظری بکر و شگفت‌انگیز شده و چشم‌اندازهایی بسیار دیدنی از کوه، جنگل، دره، آبشار و... را در مقابل چشمان طبیعت دوستان و گردشگران علاقه‌مند قرار می‌دهد. به‌تمامی این زیبایی‌ها، جذابیت‌های فرهنگی و آداب‌ورسوم خاص مردمان این منطقه را نیز باید اضافه کرد. اگر اهل خوردن خوراکی‌های خوشمزه هستید، غذاهای محلی ایلام را از دست ندهید. غذاهای محلی ایلام علاوه بر خوشمزه بودن، مغذی و مفید نیز هستند. یکی از خورشتهای خوشمزه محلی که در غرب ایران به‌ویژه استان ایلام طبخ می‌شود، خورش تره کوهی است. این غذا محبوبیت بسیاری بین مردم محلی و گردشگران این منطقه را دارد به‌گونه‌ای که حتی این خورش را رقیب سرسختی برای قورمه‌سبزی در نظر گرفته‌اند چراکه از لحاظ ترکیب و رنگ شباهت بسیاری بین این دو غذای سنتی مشاهده می‌شود. آشپزها کدبانوهای استان، با استفاده از مواد غذایی همچون گوشت گوسفندی، لپه (در صورت تمایل می‌توان از لوبیا قرمز یا لوبیا سفید نیز استفاده کرد)، روغن حیوانی، تره کوهی، رب، گوجه‌فرنگی، پیاز، نمک، فلفل، زردچوبه و ادویه‌ی مخصوص بومی به تهیه و طبخ این خوراک محلی می‌پردازند.

نویسنده

یاسمن ملک حسینی

## تلویزیون سلاحی دوگانه

تلویزیون یکی از رسانه‌های قدرتمند ارتباط‌جمعی است که به دلیل ویژگی‌های منحصربه‌فرد خود قادر است، پیام‌های تصویری را به دورترین نقاط منتقل کند و تعداد بی‌شماری از افراد را در سراسر دنیا مورد خطاب قرار دهد. مهم‌ترین پدیده مربوط به تلویزیون از دیدگاه جامعه‌پذیری، مدت زمان تماشای تلویزیون است بدین معنی که در جوامع پیشرفته، افراد بیشترین وقت آزاد خود را به‌جای معاشرت با دوستان، معلمان و یا بزرگسالان، به تماشای تلویزیون می‌گذرانند (شعبانی، ۱۳۶۱: ص ۱۰). با این وجود تلویزیون به‌عنوان یک ابزار مهم ارتباطی می‌تواند در هشیار سازی، سازمان‌دهی، سیاسی‌گری و فن‌دهی نقش مهمی داشته باشد. در عصر ارتباطات، تلویزیون عهده‌دار رسالت فرهنگی است چراکه قدرتمندترین ابزار در جهت پیشبرد اهداف دولت‌ها و ملت‌ها به شمار می‌آید (آقاجانی، ۱۳۹۵). البته این مهم وابسته به برنامه‌ریزی‌های راهبردی و عملیاتی و بهره‌مندی، از مدیریت صحیح و کارآمد است در غیر این صورت تلویزیون به فضایی کسل‌کننده مبدل می‌شود که به‌تبع آن مخاطبانش را از دست می‌دهد و راه را برای نفوذ ماهواره و دیگر رسانه‌های غربی هموار می‌کند؛ بنابراین در طی این راه می‌بایست همواره خلاقیت و پویایی خود را در میان رقبا حفظ نموده تا در سپهر رسانه‌ای دنیای امروز، علاوه بر بقا، تأثیرگذار و جهت‌دهنده عمل کند. تلویزیون می‌تواند در خدمت ارتقای سطح فرهنگ جامعه و زدودن آن از هرگونه غبار و بدرنگی مورد استفاده قرار گیرد در صورتی که نسل جوان را محور قرار دهد، در نشر و انتقال اخبار بی‌طرف رفتار کند و قضاوت نهایی را بر عهده مخاطب بگذارد، به گوشه‌های زندگی یک مسلمان ایرانی وارد شود، فضای باز سیاسی-فرهنگی برای ردوبدل نظرات مختلف در جامعه هرچند مخالف ایجاد کند و درنهایت چهره حقیقی ایران اسلامی را از طریق تولیدات و برنامه‌های متنوع به جهان و جهانیان معرفی کند.

منابع:

آقاجانی، نفیسه (۱۳۹۵). بررسی نقش و جایگاه رسانه تلویزیون در تحقق اهداف توسعه فرهنگی کشور، سومین همایش بین‌المللی مدیریت رسانه. تهران: پردازش ماندگار.

شعبانی، حسن (۱۳۶۱). تکنولوژی آموزشی، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، قم.



# اسلام‌ستیزی به روایت قرن مباحثی پیرامون تأثیر فرقه‌ها (وهابیت) در نابودی فرهنگ ملی و تبلیغات ضد اسلامی

مستمند نفوذ کرده و باعث خدشه دار شدن وحدت اسلامی که اساس وهابیت است شود. بی‌شک خطر بزرگی علیه اسلام و جوانان مسلمان است.

تحریک جوانان برای مقابله با حکومت، ترویج خرافات و تبلیغ فرهنگ غربی و هزینه در این راه برای غلبه فکری و پوششی به فرهنگ اصیل ملی و اسلامی و از همه مهم‌تر استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنت برای جوانان خطرآفرین است.

تبلیغات وهابیت بر جوانان تازه‌پا اثر می‌گذارد و لازمه مقابله با این مذهب خرافه‌پرست افزایش آگاهی و هوشیاری جوانان برای حفظ چهارچوب تشیع و فرهنگ ملی است.

چند ترفند تیمیه و ابدالوهاب‌های امروزی را بدانیم: از آنجاکه جوانان امروزی از بی‌انعطافی و خشک و خشن بودن یک دین دوری می‌کنند. تلاش وهابیان برای نشان دادن تشیع به این شکل است تا موجب دین‌گریزی جوانان شوند و در مقابل با کمک انگلیس، وهابیت را با حکومتی به‌ظاهر خیرخواه و مهربان و در تلاش برای پیشرفت‌های علمی و صنعتی معرفی کرده‌اند.

فقر، عامل تأثیرگذار دیگر در گمراهی و دین‌فروشی است و این مسئله تبدیل به ضعفی شده برای جوانانی که برای رسیدن به خواسته‌های خود از هر راهی می‌گذرند و همواره طعمه سودجویانی مانند عبدالوهاب و امثال ایشان می‌شوند.

شیوع فرهنگ فکری و اعتقادی به‌ظاهر اسلامی و در اصل غربی در میان جوانان ما، راهی دیگر از رسالت‌های وهابیان است. عواملی همچون ناهنجاری‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و روانی زمینه‌گیران انسان‌ها را از دین فراهم می‌کند. لازمه تصرف شناخت، سستی منطقه است برای پیروزی.

تبلیغ و ترویج جهت آگاه کردن مردم از ناب بودن مذهب اسلام و شناسایی ضعف‌های موجود و برخورد و سرکوب این‌گونه فتنه‌گران از وظایف هر سرباز اسلام است. در راه حفظ و اشاعه این مذهب کمال‌گرا.

منبع

Mashregnews.ir

از دیرباز تاکنون راه و روش‌های زیادی برای مقابله و گمراهی مردمان شیعه‌مذهب بکار گرفته‌شده، از جمله: کشتارهای گسترده شیعیان و ترور دانشمندان بزرگ دینی. عدم موفقیت آنان در مقابله مستقیم با شیعیان باعث شد که به‌صورت پنهانی و از راه‌های فرهنگی یا همان جنگ نرم با تشکیل گروه‌ها و فرقه‌هایی نظیر شیطان‌پرستی، بابیت، وهابیت... و گروه‌ها و شاخه‌های مختلف به‌منظور انتقال و اشاعه فرهنگ غربی و هندی و... بپردازند؛ و با پشتوانه قوی مالی از سوی هم‌قطاران خود، عمده فعالیت‌های خود را که اغلب آموزش‌های ضد شیعی است در بین اقشار ضعیف و کم‌درآمد جامعه شکل می‌دهند.

با وصف به اینکه دشمنان اسلام از فرقه‌ها و شاخه‌های زیادی برای تضعیف این دین استفاده کرده‌اند. حال ما به بررسی یکی از مهم‌ترین این فرقه‌ها (وهابیت) می‌پردازیم

وهابیت این روزها ریشه تمام فتنه‌ها و خون‌ریزی‌ها در جهان اسلام است. بنیان‌گذار این فرقه احمد بن تیمیه بود که در این راه غلط به دلیل سستی تفکر و استدلال‌های اسلام‌ستیز خود زندانی، سپس تبعید و در نهایت سرکوب شد. از جمله عقایدی که باعث زندانی شدن و در نهایت مرگ وی شد: اظهار داشت که سوگند به پیامبر (ص) شرک است. -زیارت قبور حرام است، اعتقاد به جسمانیت و رؤیت حسی خداوند و...

اما عقاید ابن تیمیه به فراموشی سپرده نشد و مطالعات و تحقیقات میدانی گویای این هستند که اوایل هزاره جاری، انگلیس که همیشه سعی بر تفرقه‌اندازی داشته پس از تیمیه با آلت دست قرار دادن محمد بن عبدالوهاب و با پشتوانه فکری ابن تیمیه، وی را وارد میدان کرد و فرقه وهابیت در قرن دوازدهم توسط وی، رسماً به‌صورت مذهب درآمد.

سپس رسالت محمد بن عبدالوهاب شروع شد: تحریک مردم برای جنگیدن و نافرمانی حکومت وقت، ویران ساختن ضریح و اماکن مقدس به اسم مبارزه با آثار بت‌پرستی و...

این فرقه بدون قدمت و به‌دوراز عقل و منطق شکل‌گرفته و در حال توسعه است. از آنجاکه توسط سعودی‌ها و دیگر کشورهای فتنه‌انگیز پشتوانه مالی قوی دارد به راحتی می‌تواند میان مسلمانان ضعیف و



# انتظار دیدار

آقا سلام، سلام ای گل نرگس و عزیز قلب زهرای اطهر، ای قطب عالم امکان، ای غریب‌ترین آشنای زمان، سلام ای زیباترین بهانه تپش‌های قلب دو عالم.

دل من میان شلوغی واژه‌ها سردرگم شده و چه تلخ است که دوباره به تکرار رسیدم باز «انتظار» اصلاً این روزها چقدر قافیه سخت جور می‌شود: انتظار، هجران، غربت

بخش یا صاحب‌الزمان که این ثانیه‌ها و دقیقه‌ها چقدر درد غربت می‌کشی، راستی عالم باید منتظر ظهور ما باشد چون شما حاضر و ناظری و این ما هستیم که به غیبت رفته‌ایم و در میان میله‌های نفس خود محبوس شده‌ایم و گناه پروبال پرواز ما را بسته و مانند مرده‌های متحرک شدیم. ای آقا، جوان‌هایمان کم‌کم پیر شدند و پیرهایمان از دنیا رفتند و من چقدر دل‌شوره دارم که خدا نکند آن زمان تو بیایی و من نباشم.

راستی آقا محرم جد غریبتان نزدیک است همان آقایی که صبح و شب بر مصیبت اعظمش گریه می‌کنی. ای کاش محرم امسال عالم با سوز و نوای شما گریان حضرت سیدالشهدا (ع) شود و چه شور و حالی دارد روضه خواندن شما در تل زینبیه و گودال قتلگاه.

خوش به حال آن اهل‌دلی که پابه‌رکاب شما سعادت شنیدن و دیدن این لحظات را دارد.

بیا ای یوسف زهرا ای همه سامان من داغ هجران شما سوزانده استخوان من

ببر ما را با خودت شب‌های جمعه کربلا تا شوی در تل زینبیه روضه‌خوان من

چقدر ما مردم زمانه بی‌وفا شدیم، ای آقای خوبی‌ها این‌گونه زیستن ما رسم و ادب انتظار نیست که شما هرلحظه به یاد ما هستی و دعایمان می‌کنی اما خواب غفلت چشم‌هایمان را کم سو و نابینا کرده و در گمراهی خود غوطه‌ور شدیم و دریغ از یکبار مناجات و نجوای سحر و صدازدن نام دلربای شما.

تنها توشه منتظران یک کوله‌بار از گناه شده، آمدم سربازتان شوم که سربارتان شدم. هیچ واژه‌ای جز شرمندگی برای بیان حال و هوای روسیاهیم پیدا نمی‌شود؛ و آقا جان بخش مرا که جواب خوبی‌هایتان را با معصیت دادم.

«اللهم عجل لولیک الفرج»

# کافه کتاب

موضوع مرگ، نمونه‌ای از موضوعاتی است که در ادبیات فارسی و جهان، بسیار به آن پرداخته و کتاب‌های که در رابطه با این موضوع چاپ شده است به‌وفور پیدا می‌شود. بسیاری از نویسندگان پرآوازه و قلم‌به‌دست ما به نوشتن درباره مرگ پرداخته‌اند. یک نمونه از این کتاب‌های چاپ‌شده، کتاب آن‌سوی مرگ اثری از جمال صادقی است که آن را به کمک محمدحسین حاجی ده آبادی به رشته تحریر درآورده است. این کتاب به مرگ و کسانی که زندگی پس از مرگ را تجربه کرده و به زندگی بازگشته‌اند می‌پردازد. درواقع هدف از تحریر کتاب آن‌سوی مرگ آن بوده که از طریق مصاحبه با کسانی که ادعا کرده‌اند مرگ را تجربه کرده‌اند تجربیات و دانسته‌های خود را از این اتفاق در اختیار خوانندگان قرار دهد. کتاب در سه بخش و هر بخش به یک خاطره به‌صورت یک مصاحبه از زبان فرد و به‌صورت گفتگو روایت شده است. دانستن اتفاقاتی که در حین مرگ رخ می‌دهد و همچنین زندگی پس از مرگ از موضوعاتی است که بسیار موردتوجه افراد قرار می‌گیرد و همین موضوع سبب جذابیت این کتاب شده است. موضوعات جالب و جذابی در این کتاب روایت شده که کمتر به گوش کسی رسیده است. به دلیل مصاحبه با افراد واقعی و صحت گفته‌هایشان از زبان خودشان بر اهمیت آن افزوده می‌شود. نثر کتاب ساده و به‌صورت گفتگو و روان است. موضوعات قابل‌فهم و درک آسان هستند از طرفی ممکن است این اتفاقات و موضوعات گفته‌شده برای افرادی قابل‌باور نباشد. همچنین به دلیل پرداختن به موضوع مرگ که ممکن است برای افرادی ترسناک باشد مطالعه آن برای افرادی که ذهن و روان آرامی ندارند و یا مشکلات قلبی دارند توصیه نمی‌شود.



# طبیعت وحشی که رو به نابودی است

کوه زاگرس، نامی آشنا است که به گوش همگان خورده است. رشته‌کوهی دارای طبیعت بکر و حیات‌وحشی، غنی از انواع مختلف گونه‌های گیاهی و جانوری کمیاب. طبیعتی که به خاطر آن باید شکرگزار خداوند باشیم اما افسوس که باکارهای اشتباه کوچک و بزرگمان، تیر نابودی آن را خودمان به دست گرفته‌ایم. منطقه‌ای دست‌نخورده که حالا ساکنان وحشی آن از دست آدمیان پا به فرار گذاشته‌اند. هرساله خبر آتش‌سوزی جنگل‌های بلوط را می‌شنویم که گاهی از غفلت کوچکی نشاءت می‌گیرد و دود آن آشیانه گونه‌های جانوری را ویران می‌کند. آتش‌سوزی‌ها هرساله باعث از بین رفتن هکتارها جنگل و درختان بلوط می‌شود. جدا از آتش‌سوزی جنگل‌ها، گاهی دست به تیر می‌شویم و شاخه‌های این درختان پربرکت را تکه‌تکه می‌کنیم. در کنار انسان‌های طبیعت دوستی که برای حفظ این سرمایه ملی که گاهی حتی حاضرند جان خود را هم فدا کنند افرادی هستند که قدر و ارزش این سرمایه‌ها را نمی‌دانند و روزبه‌روز کمر به نابودی این سرمایه‌ها می‌بندند. البته گاهی هم با تفنگ‌هایشان موجب از بین رفتن بسیاری از گونه‌های کمیاب این طبیعت بکر می‌شوند. شکارچینی که موجب شده‌اند زمانی سراسر این طبیعت پر باشد از آواز کبک‌ها اما امروزه به گفته خودشان دیگر صدای کبکی هم به گوش نمی‌رسد. طبیعت بکری که این منطقه دارد محل زندگی انواع گونه‌های نادر و کمیاب جانوری از جمله پلنگ و گربه‌سانان جغد روباه بز کوهی سنجاب و... دیگر جانوران است. درگذشته نه‌چندان دور از زبان مردم محلی و محیط‌بانان شنیده می‌شد که گله‌های بزرگ بز کوهی در این مناطق زندگی می‌کرده‌اند اما حالا می‌گویند به خاطر شکار بی‌رویه و غیرقانونی تعداد گله‌ها به تعداد اندک شماری رسیده است. زمانی دشت‌های لرستان محل آرامشی برای زندگی بز کوهی و آهوی زرد بود اما حالا وحشتی که شکارچیان غیرقانونی به جانشان انداخته‌اند قابل وصف نیست. تلاش‌های محیط‌بانان عزیز و زحمت‌کشان ستودنی است. اعمال و برقراری قانون و جرائم سنگین نیز کمی به داد این جانوران رسیده ولی تا زمانی که فرهنگ و فلسفه نگهداری و حفظ این سرمایه‌های گران‌قدر راندانیم کاری به‌پیش نخواهیم برد.



# برترک‌هاک حضرت علی (ع)

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي  
همان‌طور که می‌دانید و در روایات متعدد آمده است، صحبت از برتری‌ها و مدح مولای متقیان امام علی (ع) مطلبی است فراتر از حد تصور که در لفظ و کلام بشر نمی‌گنجد.

اما:

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید.

و متأسفانه امروزه فضای حاکم بر اکثر هیئت‌های مذهبی خلاصه در اشک و سینه‌زنی محض شده و منبرها و محتوای شعر شاعران، خالی از نقل این برتری‌ها و خوبی‌ها مانده است که این مسئله باید در مراکز فرهنگی و مذهبی جهت ایجاد پایه‌های مستحکم معرفتی و خدانشناسی مورد بحث و بررسی قرار بگیرد چون پیامبر اکرم (ص) فرمودند: زَيْنُو مَجَالِسِكُمْ بَذَكَرِ عَلِيٍّ (محافل خود را با ذکر و یاد علی (ع) مزین نمایید). [۱]

هرچند که در اینجا زبان قاصر بوده و فرصت برای تشریح این موضوع نیست اما در حد توان، به روایاتی در رابطه با این مسئله مهم خواهیم پرداخت:

مدح تو کی با سخن کامل شود وحی باید بر قلم نازل شود.

امام صادق (ع) از پدرانش نقل می‌کند که رسول خدا (ص) فرمودند: خداوند متعال برای برادرم، علی بن ابیطالب فضایی قرار داده که جز خودش نمی‌تواند آن‌ها را شمارش کند. هر کس به یکی از فضائل علی اقرار کند خداوند گناهان گذشته و آینده‌اش را می‌بخشد حتی اگر در روز قیامت به اندازه گناهان همه جن و انس گناه کرده باشد. هر کس یکی از فضائل او را درجایی بنویسد تا زمانی که نشانه‌ای از آن نوشته به جای بماند ملائکه برایش استغفار می‌کنند. هر کس گوش به فضیلتی از فضائل علی بدهد، خداوند گناهانی را که با گوش خود مرتکب شده می‌بخشد و هر کس به نوشته‌ای بنگرد که فضائل علی در آن نوشته شده است، خداوند گناهانی را که او با چشمش مرتکب شده می‌بخشد آنگاه رسول خدا فرمود: نگاه کردن به چهره علی بن ابیطالب عبادت است، یادش نیز عبادت است و ایمان هیچ بنده‌ای جز با دوستی او و بی‌زاری از دشمنانش پذیرفته نیست. [۲]

پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمودند: هر کس بخواهد به علم آدم و پارسایی نوح و بردباری ابراهیم و هیبت موسی و عبادت عیسی (ع) نظر کند باید که به علی بن ابیطالب (ع) نظر نماید [۳] و همچنین فرمودند: علوم و حکمت ده بخش است، به علی نه بخش و به دیگر مردم یک بخش عطاشده و علی (ع) در آن یک بخش، یک‌دهم نیز از دیگران اعلم و داناتر است. [۴]

و چه بسیار احادیث و روایاتی که در باب فضائل امام علی (ع) نقل شده و اهمیت نشر آن‌ها در کلام معصومین (ع) بیان گردیده است. ان شاء الله که خداوند متعال توفیق قدم گذاشتن در مسیر اهل بیت (ع) و پیرو واقعی بودن آن‌ها بر همگان عطا کند.

منابع:

۱. مناقب ابن مغزلی، ص ۲۱۱.
۲. بحارالانوار، ج ۳۸، ص ۱۹۶ و حدیث ۱۰ امالی صدوق.
۳. مناقب خوارزمی، ص ۵۰.
۴. البداية و النهاية ابن کثیر، ج ۷، ص ۳۶۰.



# فراخوان همکاری با نشریه مدرسه کاغذی



دانشجویان و علاقه‌مندان به همکاری با نشریه "مدرسه کاغذی" می‌توانند مطالب و یادداشت‌های خود را به آیدی تلگرام @MDRSEH\_AD ارسال نمایند؛

همچنین از میان دانشجویان کسانی که در زمینه عکاسی فعالیت دارند و مایل به چاپ عکس خود در صفحه اول نشریه هستند، می‌توانند تا ۳۰م ماه‌های اردیبهشت، مرداد، آبان و بهمن موضوع را در پیج اینستاگرام @mdrseh اعلام و به مدت یک هفته ارسال نمایند و پس از داوری برترین عکس روی جلد نشریه قرار می‌گیرد.



@BDF\_Admin



@MDRSEH